



محمدجواد شکوری مقدم



برادران محمدی



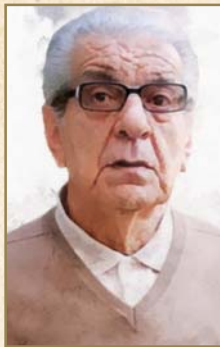
سلطان حسین فتاحی



حمیدرضا هاشمی نیا



عباسعلی قصابی



عزت الله فولادوند



محمد علی موحد



سید ابوالقاسم مرتضوی



لئون آهارونیان



اکبر ابراهیمی

برگزیدگان سومین دوره اعطای تندیس و نشان

امین الضرب

[ویژه نامه‌ی ۱۳۵ سالگی تأسیس اتاق تهران / دی ماه ۱۳۹۷]





احیای اعتماد عمومی

ضرورت شکل‌گیری گفت‌وگو کارآفرینی در کشور

چه خوب گفته‌اند پیشینیان ما که «انسان به امید و کار» زنده است؛ دو نکته مهمی که به نظر می‌رسد برای عبور کشور از روزهای سخت کنونی باید تک، تک ما بیش از گذشته به آن‌ها رجوع کنیم؛ به قول وحشی بافقی: «به هر کاری که همت بسته گردد/ اگر خاری بود، گل دسته گردد» راز توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای به میزان امید اجتماعی و تلاش و کار در آن کشور وابسته است، همان رموز موفقیتی که می‌بینیم بعد از گذشت چند دهه از جنگ جهانی کشوری همچون ژاپن را که به ویرانه‌ای بدل شده بود به یکی از توسعه‌یافته‌ترین و صنعتی‌ترین سرزمین‌های جهان بدل کرده است. امروز جامعه جوان ایران که بیش از



مسعود خوانساری

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

۵۰ درصد آن زیر ۳۰ سال سن دارند و ۱۱ میلیون نفرشان تحصیل کرده دانشگاهی هستند، بیش از هر زمانی پتانسیل‌های لازم برای توسعه را در اختیار دارد. ایجاد فضای امید و نشاط عمومی و تشویق جامعه به تلاش جمعی و البته بسترسازی برای حضور فعال کارآفرینان به‌خصوص کارآفرینان جوان و خلاق، می‌تواند به ساخت ایرانی توسعه‌یافته در آینده‌ای نزدیک منجر شود. اما از سوی دیگر همین پتانسیل جوان اگر مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد می‌تواند همچون سونامی بذر ناامیدی را در کشور کشت دهد و آینده‌ای تاریک را برای ایران رقم بزند.

«امید و کارآفرینی» باید به شعار اصلی کشور و بخش خصوصی بدل شود. حالا زمان آن فرارسیده است که دولت و حاکمیت کار را به دست مردم، فعالان بخش خصوصی و کارآفرینان بسپارد و با بسترسازی مناسب زمینه فعالیت آن‌ها را فراهم کند تا هم شاهد شکل‌گیری امید اجتماعی در جامعه باشیم و هم افزایش اعتماد عمومی؛ اگر مردم و کارآفرینان نقش خود در جامعه را پررنگ ببینند و متوجه شوند که دولت بستری‌های حضور فعال آن‌ها را فراهم کرده است حتماً بیش از گذشته پا به میدان خواهند گذاشت و آینده‌ای درخشان را با دلسوزی برای کشور رقم می‌زنند. صاحبان کسب‌وکار همچون بسیاری از دلسوزان کشور با تمام توان در جست‌وجوی راه‌حلی برای توسعه اقتصادی ایران هستند و همین میل درونی است که آن‌ها را در صحنه کار و تلاش نگه‌داشته است.

در این بین اتاق تهران به‌عنوان نماینده فعالان بخش خصوصی با برگزاری سومین دوره اهدای جایزه امین‌الضرب به کارآفرینان برتر کشور به دنبال ترویج گفت‌وگو، امید، کار و کارآفرینی است، سه حلقه‌ای که اگر در کنار هم قرار بگیرند هر «شدی» را «شد» خواهند کرد. هدف متعالی ما این است که با اهدای این جایزه به جامعه، حاکمیت و حتی خود صاحبان کسب‌وکار یادآور شویم که بخش خصوصی ایران چه خواستگاه ویژه و ریشه‌های عمیقی دارد و می‌تواند برای گذشتن از گردنه‌های سخت همچون تحریم‌های بین‌المللی و نابسامانی‌ها و تلاطم‌های اقتصادی یاور اصلی کشور باشد.



برترین‌ها چگونه انتخاب شدند؟

شاخص‌های انتخاب کارآفرینان

راه یافتند. این ۲۲ شرکت بالاترین امتیازها را کسب کرده و همچنین از نظر سلامت رفتاری اقتصادی (بدهی بانکی، گمرکی، مالیاتی و...) در شرایط مطلوبی قرار داشتند.

اما دبیرخانه مراسم اعطای نشان ملی امین‌الضرب و همچنین اتاق تهران معتقد به اصول داوری بر محور دو اصل است:

الف: انتخاب شایسته‌ترین‌ها بر اساس نظر داوران

ب: جلوگیری از هرگونه لابی و دخالت‌های بیرون از حوزه داوری و شاخص‌گذاری

بر همین اساس دبیرخانه مراسم اقدام به انتخاب ۱۵ داور خوش‌نام، شناخته شده، متخصص و فعال در بخش خصوصی برای بررسی‌های نهایی کرد. به جهت جلوگیری از تأثیرگذاری اظهارنظرهای عمومی بر ذهن داوران، دبیرخانه مکانیزمی را بر مبنای مدل مرسوم داوری‌های جهانی (مانند اسکار و نوبل) طراحی کرد که در این روش هرگونه امکان اثرگذاری متقابل داوران بر روی نظرات هم از میان می‌رفت. به این ترتیب پس از گفت‌وگو با داوران بسته‌های حاوی اسامی نهایی به همراه شیوه‌نامه انتخاب افراد در پاکت‌های پلمب‌شده برای ۱۵ داور ارسال شد. به این ترتیب هیچ‌کدام از داوران از اسامی دیگر داوران اطلاعی نداشتند و اظهار نظر آنها تنها بر اساس مطالعه شاخص‌ها، شناخت از افراد و بررسی‌های شخصی صورت می‌گرفت. داوران طی مدت زمان تعیین شده از میان تمام گزینه‌های موجود و در چهار فرم جداگانه اقدام به انتخاب اول، دو نفر برنده تندیس امین‌الضرب به عنوان عالی‌ترین جایزه این مراسم دوم؛ چهار نفر برنده نشان امین‌الضرب به عنوان جایزه دوم این مراسم سوم؛ دو محقق و پژوهشگر اقتصادی برنده نشان امین‌الضرب به عنوان جایزه دوم این مراسم و همچنین ۲ پیشکسوت حوزه اقتصادی و بخش خصوصی کردند.

در نهایت فرم‌های ارسالی از سوی داوران در جلسه رسمی با حضور ریاست اتاق تهران و اعضای هیئت رئیسه از پاکت‌های مهرموم شده خارج و اقدام به شمارش آراء شد. به این ترتیب اول دی ماه سال ۱۳۹۷ اسامی برندگان در اختیار دبیرخانه جشن امین‌الضرب قرار گرفت.

دبیرخانه جشن امین‌الضرب امیدوار است تا در فضایی عادلانه و عاری از لابی و هرگونه عامل فشار بیرونی و بر مبنای شایستگی افراد تندیس و نشان امین‌الضرب به کارآفرینان خدمت کشور برسد.

امید است اهل فن و صاحبان کسب‌وکار برای هرچه بهتر برگزار شدن این مراسم دیدگاه‌های خود را از طریق دبیرخانه دائمی این جشن به اطلاع اتاق تهران برسانند.

مصطفی درویشی، بهراد مهرجو

کمیته اجرایی سومین دوره اهدای نشان کارآفرین امین‌الضرب

کمیته اجرایی و سیاست‌گذاری سومین مراسم اعطای نشان ملی امین‌الضرب از بهمن ماه سال گذشته به ریاست مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران انتخاب شد.

این کمیته شامل چهار عضو تخصصی برای رسیدگی به امور اجرایی و سیاست‌گذاری بود. کمیته طی دوره فشرده بررسی و برگزاری جلسات کارشناسی با اهل فن و همچنین مطالعه الگوهای بین‌المللی در زمینه تقدیر از کارآفرینان ۱۰ فرم شاخص را در حوزه‌های زیر طراحی کرد:

● شاخص صنعت

● شاخص تجارت

● شاخص بانک و بیمه

● شاخص کشاورزی

● شاخص حمل‌ونقل

● شاخص شرکت‌های استارت‌آپی

● شاخص بخش خدمات

● شاخص برای اقتصاددانان

● شاخص برای پژوهشگران

● شاخص برای پیشکسوتان و چهره‌های مؤثر دولتی

این شاخص‌ها مشخص می‌کرد که کارآفرینان بر اساس چه معیارهایی می‌توانند در داوری اعطای نشان ملی امین‌الضرب شرکت کنند. پس از برگزاری جلسات کارشناسی و بحث و اعلام نظر در مورد کیفیت شاخص‌ها، فراخوان عمومی برای ثبت نام کارآفرینان در این مراسم از شهریور ماه آغاز شد و به دلیل استقبال فعالان اقتصادی تا ۱۵ آبان ماه تمدید شد.

در این مرحله بیش از ۲۳۶ کارآفرین از طریق سایت اتاق تهران ثبت نام کردند. همچنین ۶۰ کارآفرین نیز از طریق تشکل‌های بخش خصوصی برای داوری به دبیرخانه مراسم امین‌الضرب معرفی شدند.

دبیرخانه مراسم امین‌الضرب به جهت تمرکز بیشتر برای انتخاب شایسته‌ترین افراد به مطالعه و بررسی تمامی جوایزی که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۷ در اقتصاد ایران به شرکت‌ها و بنگاه‌های بخش خصوصی اعطا شده، پرداخت و در نهایت ۳۰ مجموعه دیگر نیز برای بررسی و داوری دعوت به مشارکت شدند.

دبیرخانه مراسم امین‌الضرب از ۱۶ آبان ماه تا ۵ آذر ماه ۱۳۹۷ اقدام به دسته‌بندی و بررسی امتیازهای بنگاه‌ها کرد و در فاز اول از میان ۲۶۰ بنگاه بخش خصوصی، ۵۰ بنگاه که بیشترین امتیاز را در داوری‌ها به دست آورده بودند به مرحله بعدی راه یافتند.

در مرحله دوم بررسی‌ها بازم بر اساس معیارها و شاخص‌های تعیین شده و بررسی سوابق مالی و اقتصادی شرکت‌ها ۲۲ شرکت به مرحله نهایی داوری



۱۳۵ سال تلاش فعالان اقتصادی بخش خصوصی برای توسعه اقتصادی کشور

از مجلس وکلای تجار تا اتاق تهران

مطالبه‌گری و درخواست رسیدن به حق و حقوقشان از حاکمیت را فراهم کرد. برای مثال یکی از مهم‌ترین مطالباتشان در آن دوران برقراری و اجرای عدالت در دریافت عوارض گمرکی بین آنان و بازرگانان خارجی بود. در شرایطی که بازرگانان خارجی فقط ۵ درصد قیمت جنس را به‌عنوان حقوق گمرکی پرداخت می‌کردند و از مالیات ورود کالا به داخل معاف بودند، بازرگانان ایران نه تنها مالیات ورود کالا به داخل پرداخت می‌کردند بلکه مجبور بودند عوارض راهداری و دیگر عوارضی که شامل عبور کالاهای آنها از شهرهای دیگر می‌شد را هم بپردازند. این نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها در نهایت به اعتراضات بازرگانان منجر شد و برای آرام کردن آنها به پیشنهاد حسین خان سپهسالار وزارتخانه جدیدی با عنوان «تجارت و فلاح» ایجاد شد تا به امور تجارت و کشاورزی

تجار و بازرگانان ایرانی در طول تاریخ چند هزارساله این سرزمین همیشه نقشی کلیدی در اقتصاد و سیاست‌گذاری‌های کشور بازی کرده‌اند و این حضور در ۱۵۰ سال گذشته (از دوره قاجار) و به‌خصوص با افزایش مبادلات اقتصادی با دیگر کشورها پررنگ‌تر شده است. متون تاریخی نشان می‌دهد که در اواخر دوره قاجار بازرگانان ایرانی از اعتبار اجتماعی، قدرت اقتصادی و حتی جایگاه سیاسی برخوردار بودند و به دلیل سرمایه‌گذاری‌ها در دربار نیز نفوذ ویژه‌ای پیدا کرده بودند؛ البته همه اینها باعث نشده بود که زیر چتر فشارها و تبعیض‌های حاکمیتی قرار نگیرند. بازرگانانی که به دنبال رفت‌وآمدها به فرنگ و تجارت با طرف‌های خارجی و راه‌اندازی تجارتخانه‌هایی در کشورهای دیگر با آداب‌وسوم نوین فعالیت‌های اقتصادی آشنا شده بودند و همین موضوع زمینه



رونمایی از فرمان مشروطیت در منزل محمد حسن امین‌الضرب با حضور تجار در سال ۱۲۸۵

بپردازد و از حقوق تجار دفاع و زمینه توسعه فعالیت‌های آنها را فراهم کند، اما این وزارتخانه هم به دلیل ساختارهای دولتی کاری از پیش نبرد و در نهایت شرایط غیرقابل قبول را برای بازرگانان رقم زد و آنها را به اعتراض رسمی به شاه واداشت و همین شد که محمدحسن امین‌الضرب که از معتمدترین و بانفوذترین تاجران زمان بود به نمایندگی از دیگر تجار، طی نامه‌ای به ناصرالدین‌شاه قاجار از اوضاع نابسامان بازرگانان گلایه و از او دادخواهی کرد. او در نامه انتقادی خود برای شاه از سوءاستفاده حکام ایالات از جایگاهشان نوشت و خواستار صدور فرمانی برای حمایت از بازرگانان شد. در پاسخ به این نامه ناصرالدین‌شاه علاوه بر عزل وزیر تجارت و فلاح وقت، فرمانی مبنی بر تشکیل مجلس وکلای تجار ایران (در سال ۱۳۰۱ هجری قمری، ۱۸۸۴ میلادی) صادر کرد.

مجلس وکلای تجار

بعد از این فرمان تجار تهران در ۷ شوال ۱۳۰۱ هجری قمری برابر با ۱۴ مرداد ۱۲۶۳ هجری شمسی طی گردمایی و جلسهای، تشکیل مجلس وکلای تجار را به صورت رسمی اعلام و از میان خود برای آن مجلس و پیگیری حقوقشان ۱۰ نماینده را مشخص کردند. این بازرگانان سندی را آماده کردند که شامل اهداف، نظریات و حقوق این مجلس بود و پس از دریافت رضایت شاه، به عنوان اساسنامه مجلس وکلای تجار اعلام عمومی شد. اهداف کلی این بازرگانان شامل: «امنیت مالی، ایجاد سه دفتر برای ثبت دارایی‌ها و مستغلات، ایجاد یک بانک ایرانی کوچک، حمایت از منافع تجار محلی در مقابل بازرگانان خارجی و افزایش صادرات و هم‌زمان جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی غیرضروری خارجی می‌شد.» همچنین از اهداف دیگر این مجلس می‌توان به رسیدگی به جزئیات حقوق قانونی بازرگانان، حقوق گمرکی و مسئولیت مجلس برای سامان دادن به امور بازرگانان ورشکسته و اختلافات و مشاجراتی که در مورد کالاهای تجاری یا مستغلات چه بین بازرگانان و چه سایر اقشار به وجود می‌آمد، اشاره کرد. در اولین دور تشکیل مجلس وکلای تجار، بازرگانان با توجه به جایگاه و نقش امین‌الضرب و همچنین تلاشش برای تشکیل این مجلس، او را به عنوان نخستین رئیس انتخاب کردند. در کنار راهاندازی مجلس وکلای تجار در تهران، ناصرالدین‌شاه به صدراعظم خود دستور داد که طی فرمانی به تمامی حکام ایالاتی اطلاع داده شود که باید چنین مجلسی در ایالات مربوطه خود نیز تشکیل دهند. در آن زمان نشست‌های مجلس وکلای

تهران در خانه مصطفی تاجر تهرانی برگزار می‌شد و وکلای بازرگانان در دو ردیف رو به روی یکدیگر می‌نشستند. نخستین مجلس وکلای تجار در آن سال‌ها به مدت دو سال به فعالیت‌های خود ادامه داد اما با توجه به کارشکنی حکام و مسئولان دولتی و سنگ‌اندازی‌های بسیار در نهایت امین‌الضرب دل‌سرد شد و از مقام خود کناره‌گیری کرد و همین موضوع به تعطیلی این مجلس منجر شد. اما مجلس وکلای تجار را در واقع باید یکی از سنگ بنای شکل‌گیری مشروطه در کشور دانست و در نظر داشت که بعد از به سرانجام نرسیدن همین مجلس و انباشت مشکلات بازرگانان، خواسته‌های آنها پس از ۲۰ سال در جنبش مشروطه دوباره ظهور و بروز یافت و بار دیگر این اعتراضات بازرگانان و بست‌نشینی در حرم شاه عبدالعظیم بود که بخش مهمی از آتش مشروطه‌خواهی را شعله‌ور کرد. فعالیت و عضویت بازرگانان و تجار در جنبش مشروطه در شهرهای مختلف از تبریز گرفته تا تهران بسیار پررنگ است. با شروع مشروطه در کشور و صدور فرمان مشروطه که اتفاقاً رونمایی از آن نیز در منزل محمدحسن امین‌الضرب (سال ۱۳۸۵ هجری قمری، حدود ۸ سال بعد از مرگ حاج حسن امین‌الضرب) و با حضور فرزند او محمدحسین امین‌الضرب و جمعی از بازرگانان صورت می‌گیرد، دوران جدیدی برای طبقه تجار و بازرگانان رقم می‌خورد و نقش آنها را در سیاست‌گذاری‌های کشور بیش از گذشته می‌کند.

در این بین نکته مهم این است که فعالیت‌های بازرگانان و فعالان اقتصادی برای پیشرفت و عدالت‌خواهی در کشور ریشه‌های بسیار عمیقی دارد و به خوبی نشان می‌دهد که نگاه توسعه‌گرایانه آنها همیشه چندین گام جلوتر از حاکمیت بوده است؛ موضوعی که شاید کلید حل بسیاری از چالش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... در کشور باشد و برای حاکمیت ضرورت گفت‌وگو و گسترش تعاملات با بخش خصوصی را به خصوص در شرایط حساس کنونی کشور، بیش از گذشته نشان دهد.

«اتاق تجارت طهران» که در واقع از شکل‌گیری مجلس وکلای تجار ایجاد شد و پس از چندین سال نام آن به «اتاق بازرگانی» و سپس «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران» تغییر یافت، با پیشینه ۱۳۵ سال به عنوان قدیمی‌ترین تشکل بخش خصوصی کشور به شمار می‌آید، پارلمانی که می‌تواند مهم‌ترین خط وصل و پل ارتباطی بین فعالان اقتصادی کشور و حاکمیت و حاکمیت با فعالان اقتصادی کشور باشد و در حل مشکلات کنونی کشور، نقشی راهگشا و کلیدی را بر عهده بگیرد.



محمدحسین امین‌الضرب در جمع بازرگانان



سید جمال‌الدین اسدآبادی در کنار حاج محمدحسن امین‌الضرب



امین تجار

۱۵ نکته از زندگی محمدحسن امین الضرب

حاج محمدحسن امین الضرب، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تاجر و فعال اقتصادی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم و در دوران ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه بود که دامنه فعالیت‌های تجاری‌اش از جنوبی‌ترین نقطه کشور تا شمالی‌ترین و از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین نقطه، گسترده شده بود و علاوه بر اینها در کشورهای مهم جهان همچون فرانسه، انگلستان و روسیه دفتر تجاری داشت. همچنین او را باید یکی از پیشگامان توسعه و پیشرفت صنعتی در ایران دانست. تاجری که مهم‌ترین نقش را در تأسیس مجلس و کلای تجار (که بعدها و به مرور زمان به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبدیل شد) در سال ۱۲۶۳ شمسی یعنی ۱۳۵ سال پیش داشت.



محمدحسن، روش‌های عمده تجارت را در تهران از یک اروپایی به نام مسیو پاناپوتی، نماینده شرکت رالی که شرکت بزرگ و ثروتمندی در خارج از ایران بود و شعباتی در منچستر، ماریس و... داشت، یاد گرفت. این شرکت ابریشم ایران را صادر می‌کرد و براساس سلیقه ایرانی‌ها، پارچه‌ها را طراحی می‌کرد و به ایران می‌آورد.



حاج محمد حسن امین الضرب در حجره‌اش در سرای امیر

با حمایت دوست خانوادگی‌شان، حاج محمدکاظم مراف که بازرگان مشهوری بود و با قرض گرفتن، بدهی‌های خانوادگی را پرداخت و در حجره حاج محمدکاظم به‌عنوان شاگرد مشغول کار شد. او در عین حال اندک سرمایه‌ای به محمدحسن داد تا در کنار کار، در حجره‌ای برای خود به‌طور مستقل تجارت کند، محمدحسن با کسب سرمایه در چند سال، تصمیم گرفت برای کار به تهران بیاید (سال ۱۲۳۲).

حاج محمدحسن امین الضرب در حدود سال ۱۸۳۴ میلادی/۱۲۱۳ شمسی در اصفهان و خانوادگی بازرگان و عمدتاً مراف متولد شد.

تا ۲۰ سالگی در اصفهان مشغول به کار بود. روزها همراه پدر و پدربزرگش به حجره‌شان در بازار مرافان می‌رفت. پدرش شغل مرافی و پدربزرگش زرگری داشت. فوت زودهنگام پدر، به‌شدت بر وضعیت اقتصادی خانواده اثر منفی گذاشت و از این رو محمدحسن بعد از اتمام مکتب مجبور به کار شد.

از دست‌فروشی تا مرافی، در تهران به کارهای مختلفی مشغول شد و در عرض چند ماه حدود ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ تومان سود خالص کسب کرد و مادر و دو برادرش را به پایتخت آورد.

پاناپوتی مثل یک معلم، روش مبادله برات و خرید و فروش کالا را به محمدحسن یاد داد و از سرعت یادگیری، پشتکار، درستکاری و امانتداری او خوشش آمد. با حمایت او محمدحسن توانست در کار معاملات چنان پیشرفتی کند که در مدت یک سال از تمام ولایات ایران پول‌های خزانه، گمرک و برات‌های اکثر تجار به تجارت‌خانه او ارجاع می‌شد. همین امر، سبب شهرت او نزد شاه، وزرا و تاجار دیگر شد.

۶

۵

۴

۳

۲

۱

محمدحسین امین الضرب، فرزند محمدحسن اصفهانی و ماه‌بیگم خانم (دختر محمدحسین صراف اصفهانی) در سال ۱۲۵۰ خورشیدی (۱۲۸۹ قمری) در تهران متولد شد. زبان فارسی، عربی و فرانسوی را نزد معلمان خصوصی فرا گرفت. او در تهران، برای مدتی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی همنشین بود و زبان عربی را به‌طور کامل از وی آموخت. او در محضر پدرش درس تجارت آموخت؛ در ۱۶ سالگی به فعالیت‌های تجاری و اقتصادی پرداخت و سپس، در کنار پدرش به تولید و ضرب سکه مشغول شد و تا ۱۹ سالگی این کار را به دست گرفت. او نیز مانند پدر یکی از بازرگانان معروف و بزرگ زمان خود بود و سفرهای تجاری بسیاری را تجربه کرد و ثمره آن را به کشور آورد. بنابراین، مورد توجه دربار و مظفرالدین‌شاه بود و به شاه پیشنهاد داد که بانک ملی تأسیس کند. همچنین، ماشین‌های ابریشم‌کشی را از فرانسه به ایران وارد کرد، اما در صنعت ابریشم موفقیت‌چندانی به دست نیاورد. در صنعت ریلی و تأسیس راه‌آهن ایران نیز فعالیت زیادی مبدول داشت. اما یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی صنعتی وی آوردن کارخانه برق از روسیه به ایران بود. او از حامیان نهضت





امین‌الضرب بعد از یکی از سفرهایش به فرنگ نوشت: در فرنگستان همه مشغول کار هستند و کارخانجات بسیارند و از ششصد ذرع، زغال بیرون می‌آید، مردم ایران تمام بیکار مانده همدیگر را می‌پایند.



در سال ۱۲۴۸ تهران و برخی از شهرهای ایران دچار قحطی شد. در این زمان دارایی حاج محمدحسن حدود ۹۰ هزار تومان بود؛ او بخش بزرگی از دارایی‌اش را به حل مشکل قحطی اختصاص داد و اقدام به خرید گندم و پخش آن بین مردم کرد، اقدامی که باعث افزایش اعتبار و شهرت اجتماعی‌اش شد.

تجربه‌های تجاری فراوان، مسافرت به خارج از کشور، مشاهده پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی اروپا و عقب‌ماندگی ایران موجب شد به فکر توسعه و نوآوری در ایران بیفتد و وارد کارهای صنعتی و عمرانی شود که از آن جمله می‌توان به احداث کارخانه‌ها، خطوط راه‌آهن، استخراج معدن و احداث ژنراتور برق اشاره کرد.

با ترور ناصرالدین شاه و به حکومت رسیدن مظفرالدین شاه (۱۲۷۵) و قدرت‌گیری افراد جدید محمدحسن امین‌الضرب به همراه پسرش به جرم اختلاس زندانی شدند و سرانجام با پرداخت بخش اعظمی از سرمایه خود به دربار، آزاد شدند.

امین‌الضرب در سال ۱۲۶۳ اولین ماشین را برای کارخانه ابریشم‌کشی وارد رشت کرد و به این ترتیب، وارد حوزه صنعت شد. او به برادرش دستور داد یک ماشین پنبه‌پاک‌کنی، دو ماشین بخار، یک تراکتور و یک پمپ از فرانسه به ایران بفرستد.



گسترش مبادلات در داخل و خارج از کشور به سرعت او را به یکی از تجار بزرگ کشور با نمایندگانی در کرمان، یزد، اصفهان، تبریز و... تبدیل کرد. او تنها تاجر ایرانی بود که در اروپا نماینده داشت. او کالاهای زیادی مستقیماً به فرانسه، آلمان، انگلیس و روسیه می‌فرستاد. دولت هر زمان اسلحه، کالای یا براتی از اروپا می‌خواست از طریق حاج محمدحسن اقدام می‌کرد.

در سال‌های ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ با ابراهیم امین‌السلطان که ضرابخانه را اجاره کرده بود همکاری کرد و کار بررسی صحت عیار، خرید و فروش نقره و محاسبه را برعهده گرفت، براساس همین مسئولیت، ناصرالدین شاه به او لقب امین‌الضرب داد.

در سال ۱۲۶۶ امتیاز ذوب‌آهن و تعدادی از معادن (به جز طلا) را به مدت سی سال از ناصرالدین شاه گرفت. با وجود اینکه بخشی از ماشین‌آلات ذوب‌آهن خریداری شد و کارشناسان خارجی برای اجرای پروژه به ایران آمدند ولی به دلیل نبود جاده، هزینه بالای طرح و کمبود نیروی انسانی ماهر، کار متوقف شد.

محمدحسن امین‌الضرب مدتی وارد تجارت تریاک به هنگ‌کنگ شد و ۱۳۴۰ صندوق تریاک از طریق بوشهر به این منطقه منتقل کرد و از این راه بیش از ۲۵۰ هزار تومان سود کسب کرد.



حاج محمدحسن امین‌الضرب در ۶۴ سالگی (سال ۱۲۷۷) در تهران درگذشت و بنا به وصیتش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

- ۱۵
- ۱۴
- ۱۳
- ۱۲
- ۱۱
- ۱۰
- ۹
- ۸
- ۷



مشروطیت بود و تلاش بسیاری در به ثمر رسیدن آن می‌ذول داشت و مخارج بسیاری را متحمل شد. با پیروزی انقلاب مشروطیت و برپایی مجلس شورا از سوی تجار تهران به عنوان نماینده برگزیده شد و سپس با انتخاب نمایندگان، نایب‌رئیس مجلس شد. در سال ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۳۳۸ قمری) به همراه عده‌ای از تجار، «هیئت اتحاد تجار» را تشکیل داد و ریاست آن را برعهده گرفت. پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به دستور سیدضیاءالدین طباطبایی دستگیر شد و به زندان افتاد. پس از سقوط سیدضیاء از زندان آزاد و در دوره‌های هفتم، هشتم و نهم مجلس شورا و مجلس مؤسسان به نمایندگی برگزیده شد. وی از سال ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۱ ریاست «اتاق تجارت تهران» را برعهده داشت. ماندگارترین یادگار او، تأسیس «اتاق بازرگانی تهران» است که در حال حاضر با عنوان «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران» فعالیت دارد. محمدحسین امین‌الضرب در ۲۵ آذر ۱۳۱۱ درگذشت و در نجف‌اشرف به خاک سپرده شد.



سیمرغ داران کارآفرینی

برگزیدگان دومین دوره اعطای نشان کارآفرینی امین‌الضرب از رازهای موفقیت در کسب‌وکارشان می‌گویند

افق ۱۴۰۴ چند برند بین‌المللی داشته باشیم و افتخار حضور در سطح جهانی را نصیب کشورمان و هم‌وطنان عزیزمان کنیم. من کارم را ۲۸ سال پیش و زیر نظر حاج‌آقا پدرم که بنیانگذار شرکت پاکشو است شروع کردم. آن زمان سال سوم دانشگاه بودم و مدیریت بازرگانی در دانشگاه تهران می‌خواندم که وارد کارخانه شدم. پاکشو آن زمان تنها برند و شرکت مجموعه صنعتی هلدینگ گلرنگ بود. از همان زمان در کنار کلاس‌های دانشگاه، درس‌های تجربی را از پدرم آموختم، درس استقامت، پشتکار، پیگیری امور و همین‌طور مباحث اخلاقی که توسط پدرم در کل مجموعه وجود داشت و توانستم از آنها استفاده کنم. پدرم به جوان‌ها خیلی اختیار می‌دهند و میدان که بتوانند کار کنند. همچنین ایمان پدرم به من و جوانان باعث شد که اختیار مدیریت کارخانه را بعد از ۱۰ سال حضور در این مجموعه به من بسپارند. البته در همه این سال‌ها بخش‌هایی از کار را به من واگذار کرده بودند. پدر همیشه به من اعتماد به نفس دادند و به توسعه کار و استفاده از روش‌های جدید کار اعتقاد بسیاری داشتند و همیشه به سوالات من با آرامش و محبت پاسخ می‌دادند و تلاش می‌کردند تا اعتماد به نفسم را تقویت کنند، نکته‌ای که حس قشنگی به من می‌داد. به اعتقاد من رمز موفقیت گروه صنعتی گلرنگ برای پیشرفت و توسعه در همه این سال‌ها عشق به ایران و عشق به هم‌وطنان بوده است. عشق به اینکه اسم ایران اسلامی عزیز در سطح جهان بدرخشد و در کنار این، رفاه هم‌وطن عزیز ما هم تامین شود. ما باور داریم که عشق به خدا، کشور و مردم عزیزمان رمز موفقیت ما بوده است. ما بهترین هم‌وطنان را داریم و خداوند رحمان به ما بیشترین منابع جهان را نسبت به جمعیت داده است. معتقدم اگر جوانان پشتکار، صبر، استقامت و به نتیجه رسیدن در بلندمدت را سرلوحه کارشان قرار دهند، می‌توانند آینده بسیار روشنی داشته باشند. ما باید تک‌تکمان به ایران عزیزمان افتخار کنیم و برای توسعه آن گام برداریم.



از کم شروع کنید و پله‌پله پیش بروید

علی محمد رجالی

بنیانگذار پتروشیمی رجالی و هلدینگ ظرفیت مصور

من کار را از ۹ سالگی و با اجاره بوفه مدرسه شروع کردم و ۱۳ ساله بودم که مغازه‌دار شدم و الان ۶۱ سال است که کار می‌کنم. به جوانانی که می‌خواهند کار را شروع کنند پیشنهاد می‌کنم که از کم شروع کنید، پله‌پله پیش بروید؛ از قدیم هم گفته‌اند که بادآورده را باد می‌برد. ولی سرمایه‌ای که با زحمت به دست بیاید ماندگار خواهد بود. مهم‌ترین دلایل موفقیت در زندگی من توکل به خدا، اطاعت از پدر مادر و پشتکار بوده‌اند. استادم پدرم بود و به من یاد داد که ارزان بفروشم تا پولدار شوم و این هم یکی دیگر از رمزهای موفقیت در زندگی بوده است. در حال حاضر در شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ ظرفیت مصور ۱۸ واحد تولیدی فعالیت می‌کنند و در این مجموعه صنعتی بیش از ۲۴۰۰ نفر به صورت مستقیم اشتغال دارند.

اگر با کارآفرینان نمونه کشور صحبت کنید بیش از همه چیز، امید به خدا، پشتکار، صبر، خستگی‌ناپذیری و تلاش را رمز موفقیت خود اعلام می‌کنند و در مقابل به جوانانی هم که می‌خواهند کاری را شروع کنند می‌گویند: «نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود، مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد». برای کسب تجربه کارآفرینی با ۶ نفر از کارآفرینان برتری که امسال نشان یا تندیس امین‌الضرب را گرفته‌اند، گفت‌وگوی کوتاهی داشته‌ایم. کارآفرینانی که معتقدند با کار تیمی و زحمت است که کار به نتیجه می‌رسد و زمینه اشتغال برای ده‌ها، صدها و هزاران نفر فراهم می‌شود.



خستگی‌ناپذیر

ایوب یاداری

بنیانگذار شرکت کارخانه میهن

در ۱۵ سالگی با مهاجرت برای کار به تهران آمدم و با دستفروشی بستنی شروع کردم و سال ۱۳۵۳ کار صنعتی را با راه‌اندازی یک واحد کوچک تولید بستنی شروع کردم و به امید خدا تا امروز در طول این سال‌ها کار را بزرگ و بزرگ‌تر کرده‌ام. مجموعه میهن سال ۱۳۵۳ کار خود را شروع کرده است و امروز حدود ۱۴ هزار نفر در گروه میهن فعال هستند و به لطف خدا در آینده نزدیک، جمعیت فعال در این مجموعه افزایش خواهد داشت. رمز موفقیت ما لطف خدا بوده و هیچ چیز خاصی نبوده که بگویم ما کار خاصی کردیم؛ بلکه خدا کمک کرده و در کنار آن خستگی‌ناپذیری و دعای خانواده همیشه همراه و سرلوحه زندگی‌ام بوده است. من در ۶۲ سالگی از ۵ صبح کارم را شروع می‌کنم و تا ۱۱، ۱۰ شب مشغول کار هستم و هیچ روزی نبوده که خسته بشوم؛ در واقع تفریح اصلی‌ام در طول زندگی کار کردن بوده و هست. جوان‌ها باید بدانند که هر کسی تلاش کند به جایی می‌رسد و اگر زحمتی در کار نباشد هیچ چیزی حاصل نمی‌شود. بهترین لحظه‌های زندگی من زمانی است که در کارخانه ماشین‌آلات کار می‌کنند، کارگرها سر کار هستند، به وقت غذا می‌خورند، حقوق می‌گیرند و در کنار خانواده‌هایشان خوشحال هستند؛ همه اینها برای من یعنی عشق.



عشق به خدا، کشور و مردم

مهدی فضلی

مدیرعامل گروه صنعتی گلرنگ

در مجموعه گروه صنعتی گلرنگ در حال حاضر ۱۷ هزار نفر همکار مشغول فعالیت هستند و این گروه در ۸ زمینه کسب و کار فعالیت دارد و ۷۰ شرکت زیرمجموعه گروه صنعتی گلرنگ است. در حال حاضر گردش مالی شرکت ما ۲ میلیارد دلار است که ۵ درصد آن صادرات است و زمینه‌ها را فراهم کرده‌ایم که تا

هستند و به طور کلی در حال حاضر در همه این مجموعه‌های صنعتی حدود ۲۵۰۰ نفر به صورت مستقیم مشغول کار هستند. به نظر من یکی از اصلی‌ترین نیازهای کارآفرینی ابتکار عمل داشتن است؛ من واحدهایی را در ایران راه‌اندازی کردم که همگی برای اولین بار بود، مثلاً اولین کوره فلزات را در سال ۱۳۴۶ من تأسیس کردم و پیش‌نهادم هم به جوانان که می‌خواهند کار را شروع کنند این است که ابتکار عمل داشته باشند. جوانان هر کاری می‌خواهند بکنند اول مطالعه باید داشته باشند و در رشته‌ای که تخصص دارند، وارد شوند؛ پراکنده کاری فایده‌ای نخواهد داشت. همیشه می‌گویند همه‌کاره هیچ‌کاره است. دوم به‌تنهایی عمل نکنند و با کمک دوستانشان کار را شروع کنند. بدون همکاری و کار تیمی نمی‌توانند کاری را پیش ببرند. با جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک می‌توان واحدهای عظیم و بزرگ راه‌اندازی کرد. واحدهای کوچک صنعتی به نقطه مطلوبی نمی‌رسند.



کار تیمی و گروهی، رمز موفقیت

هاله حامدی‌فر

مدیرعامل گروه صنعتی دارویی سیناژن

شرکت سیناژن در عرصه تولید داروهای بیوتکنولوژی فعال است که برای بیماری‌های خاص، صعب‌العلاج، سرطان و... استفاده می‌شوند، مثل داروهای لازم برای بیماری‌های خودایمنی، ام‌اس، ناباروری و... عمده این داروها که هم‌اکنون در گروه سیناژن تولید می‌شوند، پیش از این وارد کشور می‌شدند و هم‌اکنون نیز به‌جز شرکت ما هیچ موسسه داخلی دیگری این داروها را در کشور تولید نمی‌کند. در دنیا هم ما جزو چند شرکت محدود تولیدکننده برخی از این داروها محسوب می‌شویم. در حال حاضر در کل گروه صنعتی دارویی سیناژن ۲۵۰۰ نفر مشغول کار هستند که تعداد زیادی از آنها تحصیل‌کردگان دانشگاهی هستند. به اعتقاد من عوامل مختلفی هست که باعث موفقیت شرکت ما در طول چند سال گذشته شده است که نخستین آن کار تیمی و گروهی است. در مجموعه ما یک تیم هم‌راستا و هم‌گرا و با هدف مشترک تشکیل شده است و همه بر این باور هستند که کارهایی که در دنیا انجام شده با همان کیفیت در ایران هم امکان تحقق دارند. بعد از اینکه شما به این باور می‌رسید لازم است تلاش زیادی انجام دهید، به‌روز باشید و دانش روز را داشته باشید و واقعا بخواهید یک کاری برای کشورتان انجام دهید و باور داشته باشید که کار ارزشمندی برای مردم انجام می‌دهید. بعد از همه اینها رسیدن به موفقیت خیلی راحت خواهد بود. متأسفانه فرهنگ غالب در کشور ما این است که به کار تنها به عنوان یک راه درآمد نگاه می‌کنیم ولی به نظرم کار یک هویت اجتماعی و شخصیتی است و نتیجه آن چیزی است که در دنیا از خودمان به یادگار باقی می‌گذارد.

من فکر می‌کنم مهم‌ترین چیزی که جوان‌ها این روزها باید با آن بجنگند جو نامیدی است، چون که به هر حال نامیدی برای ما بی‌مسئولیتی می‌آورد و تنبل می‌شویم؛ به آدم غصه‌دار و افسرده‌ای تبدیل می‌شویم که خیلی سختی نمی‌کشد و تنها سختی‌اش این است که فقط غصه می‌خورد در حالی که باید باور داشته باشیم خیلی کارهایی توانیم انجام دهیم و به هر حال تغییر و تحول در هر کشوری از یک جایی شروع می‌شود. قشر جوان ما پتانسیل‌های بالایی دارند و می‌توانند موفقیت را برای کشور رقم بزنند؛ قشر تحصیل‌کرده ما نباید حتماً دنبال این باشند که خیلی چیزها را خودشان اختراع و برای اولین بار راه‌اندازی کنند. خیلی چیزهایی را که الان به کشور ما وارد می‌شود و ارزش زیادی هم برای آنها خارج می‌شود و نیاز حیاتی به آنها داریم همین‌جا در داخل کشور می‌توان ساخت و جوان‌ها می‌توانند در این زمینه‌ها فعال شوند. فکر ایرانی اگر روی ساخت این کالاها و مواد متمرکز شود ما می‌توانیم همان‌ها را بسازیم. جوان‌ها نباید فکر کنند که اگر قرار است کاری را انجام دهند دیگران باید همه چیز را برایشان فراهم کنند. باید بپذیریم در محیطی کار می‌کنیم که خیلی چیزها فراهم نیست ولی ما باید بجنگیم و جلو برویم.



کار آفرینی بدون سرمایه

حسام آرمندهی

بنیانگذار اپلیکیشن کافه بازار و سایت دیوار

دست‌روزرگار من را به این سمت کشاند تا شغلی را انتخاب کنم که در حوزه ایده و فناوری است؛ رشته تحصیلی‌ام در دانشگاه کامپیوتر بود و در همین راه هم ادامه مسیر دادم و با همکاری دوستانم کافه بازار و سایت دیوار را راه‌اندازی کردیم. در حال حاضر حدود ۲۵۰ نفر به صورت مستقیم در مجموعه ما مشغول به کار هستند و ۱۰۰ نفر هم به صورت غیرمستقیم اشتغال دارند؛ علاوه بر این ۲۰ هزار توسعه‌دهنده هم به صورت غیرمستقیم‌تر با مجموعه ما فعالیت دارند. ما کارمان را بدون سرمایه شروع کردیم و اصولاً شرکت‌های استارت‌آپی بدون سرمایه یا با سرمایه بسیار اندکی شکل می‌گیرند و به همین خاطر هم هست که اشتغال در حوزه ایده و فناوری و استارت‌آپ‌ها می‌تواند خیلی سریع در کشور رشد داشته باشد و جوانان زیادی در این زمینه فعال شوند و همین موضوع هم کمک جدی به وضعیت اشتغال کشور خواهد کرد؛ تنها کافی است دولت حمایت‌های اولیه را صورت دهد. البته جوان‌هایی که مثل ما می‌خواهند شروع کنند باید بدانند که این راه آسان نیست و باید تلاش کنند و جا هم نزنند و استوار پیش بروند. همیشه روحیه کار و تلاش را باید حفظ کرد. تاکنون در زندگی روزی نبوده که من فکر کنم تمام شده است و شکست خورده‌ام.



ابتکار عمل داشته باشید

علی اصغر حاجی‌بابا

بنیانگذار شرکت شوفاژ کار و ایران‌متال

متولد ۱۳۱۰ هجری استم و حالا بیش از ۸۶ سال سن دارم. تا سال ۱۳۴۲ به شغل آهن‌فروشی مشغول بودم و بعد تصمیم گرفتم وارد صنعت شوم و با توجه به شناختی که از فلزات داشتم زمینه ذوب فلزات را انتخاب کردم و اولین کارخانه ریخته‌گری ماشینی را راه‌اندازی کردم. سال ۱۳۴۵ این مجموعه که پارس‌متال نام داشت، شروع به فعالیت کرد. همچنین سال ۱۳۵۰ شرکت شوفاژ کار را تأسیس کردم که همچنان مشغول تولید قطعات صنعتی و فلزی برای صنایع مختلف است. علاوه بر اینها در این ۵۰ سال واحدهای دیگری را نیز راه‌اندازی کرده‌ام که تعدادی از آنها همچنان فعال



ایوب پایداری
بنیانگذار کارخانه میهن



محمدعلی رجالی
بنیانگذار شرکت ظریف مصور



محمدجواد ظریف
وزیر امور خارجه



دکتر هاله حامدی‌فر
مدیرعامل شرکت دارویی سیناژن



محمدرضا رستمی
بنیانگذار شرکت مارال صنعت جاوید



مهدی فضلی
مدیرعامل گروه صنعتی گلرنگ



علی اصغر حاجی بابا
بنیانگذار شوفاژ کار ایران و پارس متال



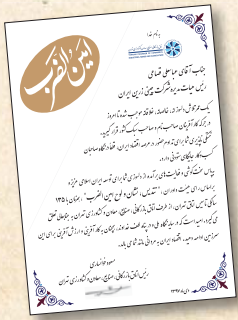
حسام آرمندهی
بنیانگذار کافه بازار و سایت دیوار



منصوره اتحادیه
استاد دانشگاه تهران



علیقلی خاموشی
پیشگسوت صنعت نساجی



عباسعلی قصابی بنیانگذار کارخانه چینی زرین

مردی از خانواده بخش خصوصی



دارنده تندیس امین‌الضرب

۱۲

هزار تن

تولید انواع ظروف در سال

۱۲۰۰

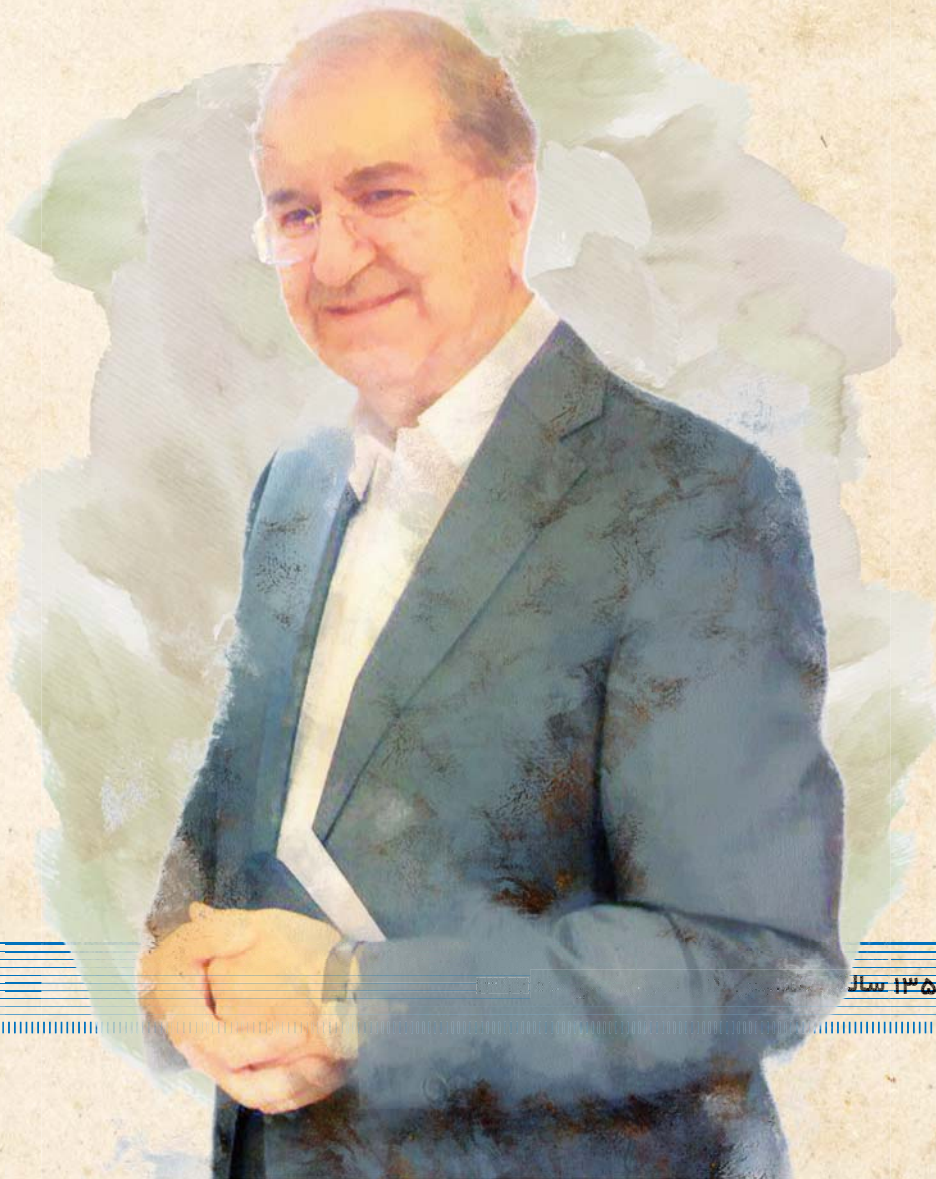
نفر

تعداد اشتغال چینی زرین

۵

میلیون دلار

صادرات چینی زرین



درباره عباسعلی قصابی دارنده تندیس امین‌الضرب

عباسعلی قصابی در خانواده‌ای بزرگ شد که اهل هنر و ساخت سفال و سرامیک بودند و او هم از کودکی با سفالگری در کارگاه پدرش آشنا شد. او در جوانی به آلمان رفت و در رشته سرامیک تحصیل کرد و در نهایت بعد از بازگشت به کشور هنر سنتی سفال و سرامیک ایران را با صنعت روز به هم گره زد و کارخانه تولید چینی زرین را احداث و زمینه اشتغال بیش از ۱۲۰۰ نفر را به صورت مستقیم فراهم کرد. به گفته او سابقه کار و تولید خانواده‌اش حدود ۱۴۰ سال سابقه دارد.

سالن‌های کار محصولاتش را تولید می‌کند و آخرین فاز کارخانه هم که چینی زرین ۳ است، در سالنی جدید به مساحت ۲۰ هزار متر مربع شروع به کار کرده است. به گفته قصابی مجموعه چینی زرین با حدود ۱۰۰ نفر و تولید ۸۰۰ تن در یک سال کار را شروع کرده است و امروز بیش از ۱۲ هزار تن تولید در سال دارند و در مجموعه چینی زرین بیش از ۱۲۰۰ نفر مشغول به کار هستند.

با شروع دهه ۷۰ عباسعلی قصابی که چند سالی بود همراهی برادر را هم در کار و کنار خود داشت به فکر صادرات محصولات تولیدی کارخانه و حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی افتاد و کم، کم توانست جایگاه ویژه‌ای در این زمینه پیدا کند به طوری که هم اکنون سالانه بیش از ۵ میلیون دلار صادرات دارند. کارخانه چینی زرین در حال حاضر حتی به سفارش تعدادی از شرکت‌های ایتالیایی، ترکیه‌ای، آلمانی و... محصولاتی را تولید می‌کند. مجموعه چینی زرین به دلیل تولید محصولات با کیفیت در طول این سال‌ها بیش از ۱۰۰ لوح تقدیر و گواهی بین‌المللی دریافت کرده است و به گفته قصابی یکی از برندهای مشهور جهان محسوب می‌شود.

قصابی در کنار تولید و صنعت در طول سال‌های گذشته برای فعالیت‌های تشکیلی و مسئولیت اجتماعی هم اهمیت بسیاری قایل بوده است و از همین روست که در تشکلهای مختلف از جمله اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، انجمن مدیران صنعتی، اتاق مشترک ایران و آلمان و انجمن صنایع چینی ایران عضویت و مسئولیت دارد.

قصابی با وجود بیش از ۵ دهه فعالیت صنعتی همچنان پرکار است و به توسعه اقتصادی و پیشرفت کشور فکر می‌کند، او درباره اینکه آیا قصد ندارد بازنشسته شود، در مصاحبه‌ای گفت: «فکر می‌کنم باید مقداری کارم را کم کنم ولی برای کسی که سال‌ها در کار صنعت بوده و اثراتی هم داشته، بازنشستگی به معنای اینکه به‌طور کلی کنار برود احساس خوبی نیست. برای همین دوست دارم همچنان کار کنم، فرزندانم هستند و خیلی در کار کمک می‌کنند. البته بعضی وقت‌ها به لحاظ جسمی و روحی خسته می‌شوم، به خصوص که امروز با مسائل اقتصادی که پیش آمده گرفتاری‌ها چند برابر شده است. مشکلات ارزی، تحریم‌های خارجی و بدتر از همه اینها، بوروکراسی داخلی است که فشار را زیاد کرده تحریم‌های خارجی مشکلاتی را ایجاد کرده است، اما نیروهای داخل به جای آنکه منظم شوند و در مقابل تحریم‌ها دفاع کنند، سردرگم شده‌اند. امیدوارم این بی‌نظمی به تدریج رفع و تعادل برقرار شود. البته از طرف دیگر به شرایط پیش آمده، به‌عنوان یک فرصت هم نگاه می‌کنم چون می‌تواند باعث جان گرفتن صادرات شود، برای همین باید از همین شرایط هم استفاده کرد. ما باید قوانین، روش و منش اقتصادی‌مان را اصلاح کنیم. اقتصاد در کنار سیاستی مناسب است که به خوبی رشد کند. اقتصادی که سیاست بر آن سوار باشد کمرش خم می‌شود. اقتصاد باید روی بال سیاست به پرواز دربیاید.»

عباسعلی قصابی متولد سال ۱۳۲۶ در شهر نطنز است. او از کودکی با کار سفالگری آشنا شد و به کارگاه سفالگری پدرش می‌رفت. اعضا خانواده او از سفالگران و سرامیک‌سازان به نام شهر نطنز محسوب می‌شوند تا جایی که برخی از ظروف تولیدی از سوی پدرش حتی به اروپا و آمریکا هم صادر می‌شد و سابقه کار و تولید در خانواده او به بیش از ۱۴۰ سال می‌رسد. قصابی تا پایان دوران راهنمایی در نطنز تحصیل کرد ولی بعد در سال ۱۳۳۹ به تهران آمد و در دبیرستان البرز ثبت نام کرد و در رشته ریاضی دیپلم خود را اخذ کرد. پس از آن او برای ادامه تحصیل راهی آلمان شد و باتوجه به علاقه‌اش به کار سنتی خانوادگی یعنی سفالگری و سرامیک‌سازی در دانشگاه دولتی نورنبرگ (قطب صنایع چینی و سرامیک در آلمان) در رشته سرامیک تحصیل کرد. عباسعلی قصابی به دنبال رونق تازه در کسب‌وکار خانوادگی و پیوند سنت و صنعت در این رشته بود و از همین رو سو نیز با پایان تحصیلاتش در آلمان (سال ۱۳۵۰) با ایده‌های جدید به نطنز و کارگاه پدرش رفت و در این مجموعه مشغول به کار شد. تحصیل در رشته سرامیک برای قصابی و خانواده‌اش دستاوردهای بسیاری داشت و باعث شد او به صورت علمی با خواص مواد و خطوط تولید صنعتی سرامیک و ظروف چینی آشنا شود و همین آموخته‌ها هم بود که در نهایت زمینه را برای راه اندازی کارخانه صنعتی تولید سرامیک و چینی فراهم کرد.

او با بازگشت از فرنگ ابتدا کارگاه کوچک و سنتی پدرش را گسترش داد و بعد تغییراتی در تکنولوژی کارگاه ایجاد و ماشین‌آلات جدید خریداری کرد و می‌توان گفت نخستین کسی بود که تولید سرامیک را در کشور از روش سنتی به صنعتی تغییر داد. در دهه ۵۰ عمده واردات چینی از ژاپن، ایتالیا و آلمان صورت می‌گرفت ولی تولیدات کارگاه صنعتی قصابی که حدود ۵۰ نفر در آن مشغول به کار بودند کم‌کم وارد بازار شد و مشتریان بسیاری پیدا کرد و همین موضوع او را تشویق به توسعه کار و راه اندازی واحدی بزرگ کرد. به دلیل محدودیت فضا در بافت قدیمی شهر نطنز، عباسعلی قصابی تصمیم گرفت کارخانه تولید سرامیک را در اصفهان و مسیر عبور خطوط انتقال گاز احداث کند تا به راحتی به انرژی لازم برای کوره‌ها هم دسترسی داشته باشد. ساخت این واحد در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ در جاده مبار که کلید خورد ولی با نزدیک شدن به انقلاب و باتوجه به تحولات سیاسی و همچنین فوت پدرش کار برای چند سال متوقف شد تا اینکه در سال ۱۳۶۱ او به صورت جدی دوباره راه اندازی کارخانه را دنبال و در سال ۱۳۶۲ از طریق بانک صنعت و معدن پنج میلیون تومان وام برای واردات ماشین‌آلات از آلمان دریافت کرد. در سال ۱۳۶۶ اولین فاز کارخانه چینی زرین راه اندازی شد، مجموعه صنعتی که در سه دهه گذشته در چند فاز توسعه پیدا کرده و در حال حاضر بزرگترین کارخانه در زمینه تولید چینی و سرامیک در کشور محسوب می‌شود و از تکنولوژی روز و پیشرفته جهان بهره می‌برد. چینی زرین در بیش از ۱۰۰ هزار مترمربع

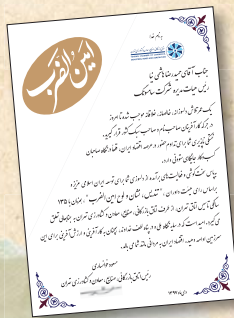


حمیدرضا هاشمی‌نیا رئیس هیئت‌مدیره شرکت‌های تکوین الکترونیک، سام الکترونیک و سام سرویس (تولیدکننده و نماینده محصولات سامسونگ در ایران)

کارآفرینی با همکاری مشترک کره‌ای‌ها



دارنده تندیس امین الضرب



۲۵

هکتار

مساحت کارخانه‌ها و
مجموعه‌های صنعتی این
گروه است

۲۵۰۰

نفر

به‌صورت مستقیم در این
مجموعه صنعتی اشتغال
دارند

۲

میلیون دستگاه
انواع کالاها در این
مجموعه سالانه
تولید می‌شود

درباره حمیدرضا هاشمی‌نیا دارنده تندیس امین‌الضرب

حمیدرضا هاشمی‌نیا با وجود اینکه از کارآفرینان نسبتاً جوان کشور محسوب می‌شود ولی توانسته با جلب اعتماد مسئولان شرکت سامسونگ کره تحولات مهمی در صنعت لوازم‌خانگی در کشور به وجود آورد و تولید انواع محصولات شرکت سامسونگ از جاروبرقی گرفته تا یخچال سایدبای‌ساید را عملیاتی کند.

او با توسعه شرکت‌ها و کارخانه‌های این گروه صنعتی و تجاری در طول سال‌های گذشته توانسته صدها فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم در کشور ایجاد کند. طبق آمارهایی که او در سال ۱۳۹۵ و بعد از افتتاح خطوط جدید ارائه داد در این مجموعه بیش از ۲ هزار ۵۰۰ نفر به صورت مستقیم و بیش از ۳۴ هزار نفر غیرمستقیم (در بخش تأمین‌کنندگان مواد اولیه و بخش خدمات کالا و پس از فروش) مشغول به کار هستند. به گفته رئیس هیئت مدیره سام الکترونیک این مجموعه در ۴ واحد کارخانه تولیدی و با مساحت بیش از ۲۵ هکتار، سالیانه بیش از ۲ میلیون دستگاه شامل ماینور، جاروبرقی، تلویزیون، لباسشویی، انواع یخچال فریزر و سایدبای‌ساید تولید می‌کند.

شهریور امسال مدیرعامل شرکت سام الکترونیک در جریان بازدید خبرنگاران اعلام کرد هم‌اکنون ظرفیت اسمی تولید انواع یخچال و فریزر در این مجموعه ۱۵۰۰ دستگاه در روز است که ۸۰۰ دستگاه هم‌اکنون تولید می‌شود. در دو خط تولید ماشین لباسشویی این مجموعه نیز ظرفیت تولید روزانه ۳ هزار دستگاه وجود دارد. همچنین هم‌اکنون امکان تولید ۳۷ مدل تلویزیون با ظرفیت ۹ هزار دستگاه در روز در این کارخانه وجود دارد. البته در ماه‌های گذشته افزایش تحریم‌های آمریکا و افزایش قیمت مواد اولیه و سخت شدن واردات این مواد مسئولان کارخانه‌های سام الکترونیک و تکوین الکترونیک را با مشکلاتی روبه‌رو کرده و تولید را در این مجموعه نسبت به ظرفیت‌های اسمی، کاهش داده است. البته حمیدرضا هاشمی‌نیا با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های منطقه خاورمیانه و بازار کشورهای همسایه به دنبال آن است که مجموعه سام الکترونیک و تکوین الکترونیک را به هاب اصلی تولید محصولات سامسونگ در منطقه تبدیل کند و با صادرات گسترده محصولات این کارخانه‌ها بتواند علاوه بر افزایش تولید، ده‌ها فرصت شغلی جدید هم ایجاد کند؛ اقدامی که مذاکرات اولیه آن با مسئولان شرکت سامسونگ صورت گرفته و توافق‌هایی هم انجام شده است. هاشمی‌نیا درباره مهم‌ترین مشکلات تولید هم‌زمان با افتتاح پروژه مجموعه صنعتی امام رضا (ع) سامسونگ گفت: «وام‌های گران بانک‌ها، مشکلات تأمین و انتقال ارز، مشکلات حمل‌ونقل و همچنین تأمین سرمایه، رکود، تورم و افت‌وخیزهای مدیریت نشده نرخ ارز دغدغه‌های همیشگی کارآفرینان است، برای ما هم همیشه این دغدغه‌ها وجود داشته. اشکال روند تولیدکنندگی در ایران شاید این باشد که کارآفرینان واقعی همیشه امیدوارند که مسئولان مختلف، آن کسانی که باید فراهم‌کننده فضای آزاد رقابتی و بازار عرضه و تقاضا باشند، همه را به یک چشم نگاه کنند، زمین‌بازی را برای تمام شرکت‌ها یکسان کنند.» او همچنین معتقد است کشور باید برنامه‌ای ویژه برای تولید کالاها و محصولاتی که در آنها مزیت نسبی دارد، داشته باشد. «ما در بسیاری از تولیداتمان مزیت نسبی نداریم، فرضاً اگر کالایی را ساختیم امکان رقابت با سازنده‌های دیگر دنیا را نداریم، خوب این تولید اگر کالایی استراتژیک نباشد و دست نیافتن به دانش آن باعث وابستگی نشود شاید صرفه نداشته باشد اما اگر در تولیدی مزیت نسبی داریم، ورود تکنولوژی و دانش آن به کشور در خیلی صنایع زیردستی و بالادستی بتواند باعث بهبود شود، برای کشور نفع خواهد داشت و منجر به صرفه اقتصادی می‌شود، این تولید ملی هم صرفه‌جویی ارزی را با خودش می‌آورد و هم اشتغال‌زایی خواهد داشت. حتی فارغ از بحث‌های اقتصادی، هر ملتی که مصرف‌کننده صرف باشد نهایتاً هم عزت خودش را و هم اعتماد به نفسش را از دست می‌دهد.»

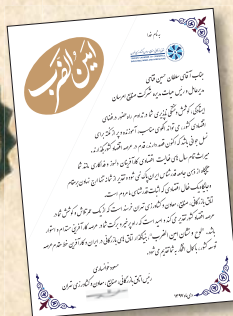
حمیدرضا هاشمی‌نیا رئیس هیئت‌مدیره شرکت‌های تکوین الکترونیک، سام الکترونیک و سام سرویس، تولیدکننده و نماینده انحصاری خدمات پس از فروش محصولات صوتی، تصویری، خانگی و IT سامسونگ در ایران از جوانی کار خود را شروع کرد و با توجه به ایده‌های جدیدی که داشت خیلی زود قدم در راه کارآفرینی بزرگ کشورمان در تولید لوازم‌خانگی همچون حاج محمدتقی برخوردار گذاشت (کسی که پیش از انقلاب همکاری با شرکت‌های ژاپنی در تولید لوازم‌خانگی الکترونیک در ایران را شروع کرد) و همکاری‌های مشترک با شرکت کره‌ای سامسونگ را در دهه ۷۰ شمسی کلید زد. آن‌هم در زمانی که هنوز سامسونگ به غول بزرگ تولید لوازم‌خانگی در جهان تبدیل نشده بود و این انتخاب خود نشان‌دهنده، هوش و دید حمیدرضا هاشمی‌نیا نسبت به آینده صنعت تولید لوازم‌خانگی است. او در ابتدا شرکتی تجاری و بازرگانی برای گرفتن نمایندگی واردات کالاها تولیدشده از سوی شرکت سامسونگ را در ایران راه‌اندازی کرد ولی چند سال بیشتر نگذشت که به فکر تولید افتاد و خیلی زود توانست مجوزهای لازم برای احداث کارخانه را در اواخر ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دوره وزارت نعمت‌زاده دریافت کند.

سال ۷۵، توافقات کارخانه «سام الکترونیک» با سامسونگ نهایی شد و اواخر همین سال ساخت کارخانه در ۱۴ جاده کرج شروع شد و نهایتاً ۱۴ بهمن ۷۶ اولین تولید این مجموعه که دستگاه تلویزیون بود، انجام شد. با گذشت زمان و اجرای طرح‌های توسعه‌ای کارخانه، زمین‌های مجاور باهدف افزایش تولید لوازم‌خانگی به کارخانه اولیه الحاق و برای طرح‌های توسعه تولید تلویزیون و نمایشگر کامپیوتری مورد استفاده قرار گرفت. همچنین باروی کار آمدن دولت حسن روحانی و توافقات هسته‌ای و فروکش کردن تب تند تحریم‌ها علیه کشورمان حمیدرضا هاشمی‌نیا به فکر توسعه همکاری‌های شرکت سام الکترونیک با شرکت سامسونگ کره و راه‌اندازی شرکت جدیدی بنام تکوین الکترونیک افتاد که مورد استقبال طرف کره‌ای هم قرار گرفت و در اولین گام خطوط جدید تولید لوازم‌خانگی برقی شامل جاروبرقی و ماشین لباسشویی و حتی برخی از مدل‌های یخچال راه‌اندازی شد. همچنین شهریور سال ۹۵ مراسم رونمایی از خطوط جدید تولید یخچال فریزر و سایدبای‌ساید سامسونگ در کارخانه تکوین الکترونیک (یکی از بزرگ‌ترین و به‌روزترین مجموعه‌های تولید لوازم‌خانگی در منطقه خاورمیانه) با حضور نعمت‌زاده، وزیر صنعت معدن و تجارت وقت برگزار شد. به اعتقاد کارشناسان راه‌اندازی این خطوط تولید که دومین خط تولید یخچال فریزر و سایدبای‌ساید سامسونگ در ایران محسوب می‌شود گام بلند و مهمی در بومی‌سازی دانش تولید لوازم‌خانگی در کشور و نمونه‌ای موفق از همکاری‌های یک شرکت ایرانی با یک شرکت بین‌المللی (بزرگ‌ترین تولیدکننده کنونی لوازم‌خانگی در جهان) محسوب می‌شود. شرکت‌های تکوین الکترونیک و سام الکترونیک در طول سال‌های گذشته اقدامات مهمی در راستای انتقال فناوری و بومی‌سازی دانش تولید لوازم‌خانگی در کشور با همکاری شرکت سامسونگ کره انجام داده‌اند و در حال حاضر بخش عمده محصولات سامسونگ حتی بروزترین کالاها همچون فریزرهای سایدبای‌ساید در این مجموعه و با نظارت شرکت کره‌ای تولید می‌شود. اتفاقی که در طول دو دهه گذشته با همکاری‌های آهسته ولی پیوسته و اعتمادسازی و تولید محصولات کیفی و تأمین استانداردهای سامسونگ کره تحقق پیدا کرده است. علاوه بر اینها حمیدرضا هاشمی‌نیا در سال ۱۳۸۰ شرکت سام سرویس را هم باهدف ارائه سرویس و خدمات پس از فروش محصولات به مشتریان این شرکت راه‌اندازی کرد.



سلطان حسین فتاحی
بنیانگذار کارخانه تولید لوازم خانگی امرسان

در خدمت صنعت



دارنده نشان و لوح امین‌الضرب

امکانات افتاد ولی برای این کار پیش‌نیازهایی لازم بود که مهم‌ترین آن یادگیری کار با ورق و تولید بدنه بود؛ به همین دلیل او به فکر رفتن به کابینت‌سازی و آموزش کار با ورق افتاد، البته هم‌زمان با این کار در خانه کار طرحی محصولات را هم انجام می‌داد. فتاحی مدتی در کابینت‌سازی کار کرد و پس از آن یک کارگاه کابینت‌سازی را اجاره و نخستین بدنه فریزرها را آنجا تولید کرد. در واقع، نخستین جرقه راه‌اندازی کارخانه امرسان همان‌جا زده شد. او پس از آن برای توسعه کار پارکینگی را در خیابان پیروزی هم اجاره کرد و اتصال بدنه فریزرها و یخچال‌ها را در این پارکینگ انجام می‌داد و محصول نهایی را تولید می‌کرد. اما مرحله بعدی کار فروش این یخچال و فریزرها بود، او با شکل گرفتن تولیدات کارگاه خود از مغازه‌ها و فروشگاه‌های لوازم خانگی دعوت می‌کرد تا تولیدات او را ببینند و حتی سفارش جدید برای ساخت می‌گرفت.

در آن روزها که به دلیل جنگ واردات لوازم خانگی به سختی و بیشتر به صورت قاچاق صورت می‌گرفت و کارخانه‌های قدیمی مانند ارج و آزمایش هم درگیر تحولات بعد از انقلاب و مصادره بودند و بازار تشنه محصول؛ سلطان حسین فتاحی خیلی زود با گرفتن سفارش‌های متعدد توانست کار خود را توسعه دهد و سرمایه اولیه‌ای برای راه‌اندازی کارخانه امرسان جمع‌آوری کند. او در سال ۱۳۶۴ در زمینی به مساحت ۵ هزار مترمربع در جاجرود کارخانه امرسان را راه‌اندازی کرد و در سال ۱۳۹۰ هم با اجرای طرح توسعه محل کارخانه را به شهرک صنعتی عباس‌آباد با بیش از ۱۵۰ هزار مترمربع وسعت انتقال داد. ظرفیت اسمی خط تولید یخچال و فریزر کارخانه امرسان ۲۵۰۰ دستگاه است و در حال حاضر روزانه به صورت میانگین ۱۵۰۰ یخچال و فریزر در این مجموعه تولید می‌شود. همچنین در کارخانه امرسان به صورت محدود خطوط تولید ماشین لباس‌شویی، اجاق گاز و کولرگازی هم راه‌اندازی شده است. در مجموعه صنعتی امرسان بیش از ۵۰۰ نفر نیروی کارگری و ۷۰ نفر نیروی ستادی وجود دارد و محصولات این کارخانه از سوی بیش از ۵۰۰ نفر عامل توزیع در سراسر کشور به فروش می‌رسند و این کارخانه ۴۰۰ شعبه سرویس و خدمات پس از فروش دارد. همچنین از نظر زنجیره تأمین مواد اولیه ۴۰۰ شرکت با مجموعه امرسان همکاری دارند. در این مجموعه در سال ۱۳۹۵ بیش از ۲۰۰ هزار دستگاه انواع یخچال و فریزر تولید شده است.

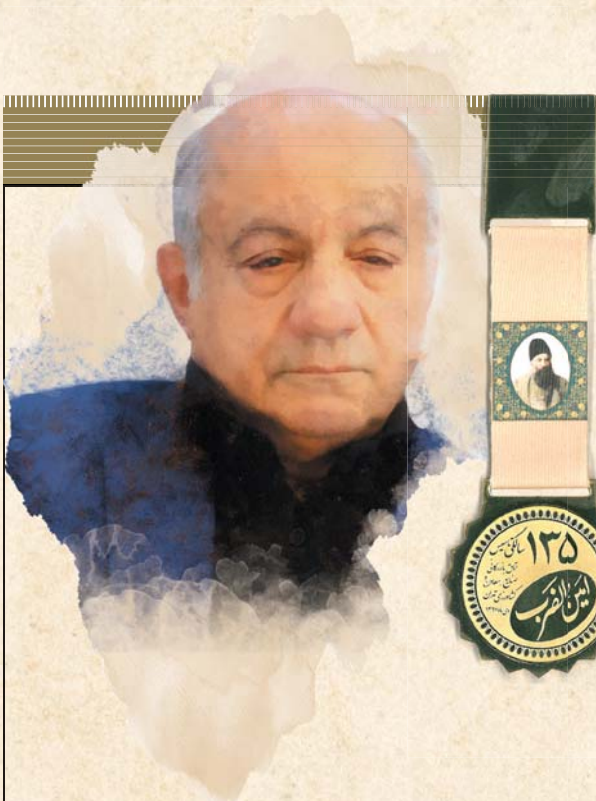
سلطان حسین فتاحی در سال ۱۳۳۶ در شهر میانه آذربایجان شرقی متولد شد و ۶۱ سال سن دارد. او از کودکی زندگی سختی را پشت سر گذاشته و همیشه برای رسیدن به زندگی بهتر و موفقیت جنگیده است. در ۵ سالگی پدرش را از دست داد و بعد از مدتی عمویش او و برادرش را با خود به قائم‌شهر برد و آنها در کنار خانواده عمو بزرگ شدند. شش‌سالگی به مکتب رفت و به دلیل جابه‌جایی شغل عمو دوره ابتدایی را در مراغه و در میانه به اتمام رساند و بعد در سال ۱۳۴۹ در تهران وارد هنرستان شبانه‌روزی آزمایش (وابسته به کارخانه لوازم خانگی آزمایش) شد، او که با استعداد و پر تلاش بود نفر دوم پذیرفته‌شدگان بود و سیکل فنی خود را بعد از سه سال در این کارخانه و هنرستان وابسته به آن گرفت ولی در نهایت در این مجموعه نماند و به کارخانه الکترولوکس رفت و پس از آن در کارخانه ارج مشغول به کار شد ولی چون سربازی نرفته بود از این مجموعه اخراج شد و به خدمت سربازی رفت.

سلطان حسین فتاحی با پایان یافتن سربازی مدتی را در شرکت «سارا ول» به‌عنوان طراح مشغول شد و البته در کنار آن برای کسب درآمد بیشتر و تجربه به صورت آزاد کارهای تعمیرات لوازم خانگی نیز انجام می‌داد. او به مغازه‌ها رفته و اگر کسی تلویزیون و یخچالی برای تعمیر داشت آنها را تعمیر می‌کرد؛ این کار تا جایی ادامه پیدا کرد که او به فکر راه‌اندازی مغازه‌ای برای خود افتاد. فتاحی با پولی که جمع کرده بود در میدان خراسان مغازه‌ای اجاره کرد و تعمیرات یخچال انجام می‌داد و حتی یخچال‌های دست‌دوم را که برای فروش می‌آوردند، روبه‌راه کرده و دوباره می‌فروخت.

سال‌هایی که فتاحی تعمیرگاه یخچال راه‌اندازی کرد هم‌زمان با جنگ تحمیلی بود و او در این دوره با توجه به نیاز مردم به فکر تولید یخچال و فریزر با حداقل

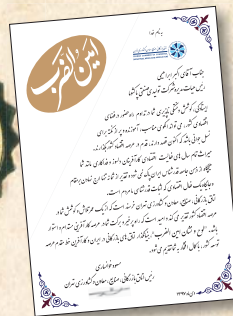
درباره سلطان حسین فتاحی دارنده لوح و نشان امین‌الضرب

مدیرعامل و بنیانگذار امرسان کسی است که از هیچ و کارگری در شرکت‌های لوازم خانگی و تعمیرکاری لوازم خانگی شروع کرد و حالا به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان لوازم خانگی در کشور به‌خصوص در تولید یخچال و فریزر تبدیل شده است.



رئیس هیأت مدیره گروه صنعتی پاکشوما
اکبر ابراهیمی

نیکوکار صنعتی



دارنده نشان و لوح امین‌الضرب

به سالن‌های تولید این مجموعه افزوده شد. هم‌اکنون ۳ خط کامل تولید در ۶۰ هزار مترمربع در این مجموعه فعال است. شرکت پاکشوما جهت بهبود کیفیت محصولات خود با شرکت‌های مختلف اروپایی و آسیایی همکاری‌هایی در زمینه طراحی سیستم، نصب ماشین‌آلات و فناوری‌های روز و حتی تولید محصولات مشترک شروع کرده است، برای مثال دو سال پیش قرارداد مشترکی برای تولید ماشین لباس‌شویی بین شرکت مدیا (شرکت چینی) و از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان لوازم خانگی در جهان) بسته و سال گذشته از محصول مشترک این دو شرکت با حضور حاج اکبر ابراهیمی که هم‌اکنون ریاست هیئت مدیره مجموعه صنعتی پاکشوما را بر عهده دارد، رونمایی شد. در مجموعه صنعتی پاکشوما در حال حاضر حدود هزار نفر مشغول به کار هستند و مدیران آن پیش‌بینی می‌کنند با افتتاح تمام خطوط تولید و توسعه کار در این مجموعه میزان اشتغال آنها به ۴ هزار نفر افزایش پیدا کند. این مجموعه دارای ۶۰۰ مرکز خدمات پس از فروش در کل کشور است. به گفته مدیران این مجموعه هم‌اکنون به‌صورت میانگین ۷۰ درصد قطعات و مواد مورد استفاده در کارخانه پاکشوما در داخل ساخته می‌شود.

در کنار فعالیت‌های صنعتی و تأسیس و راه‌اندازی یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولید لوازم خانگی در کشور، اکبر ابراهیمی از بزرگ‌ترین خیرین کشور به‌خصوص در زمینه مدرسه‌سازی محسوب می‌شود و تاکنون در ساخت بیش از ۱۰۰ مدرسه در سراسر ایران مشارکت داشته است. او اگرچه به دلیل نگاه مذهبی از جوانی همیشه بخشی از درآمد خود را وقف امور خیریه و پرداخت خمس و ذکات می‌کرد اما عملاً در دوران میان‌سالی و با حضور در یک مراسم افطاری با فعالیت‌های مدرسه‌سازی در آموزش و پرورش آشنا شد و از آن پس مشارکت گسترده‌ای در این زمینه را آغاز کرده است و به گفته خودش حدود یک‌سوم اموالش را تفکیک کرده و به حساب بانکی مجزایی واریز تا صرف امور خیریه و در رأس آن، مدرسه‌سازی کند. او علاوه بر استان‌ها و مناطق محروم در زندان‌های اوین و رجایی شهر هم مدرسی احداث کرده است.

به پاس چند دهه فعالیت صنعتی، کارآفرینی، مسئولیت اجتماعی و خیریه در سال ۱۳۹۳ نشان رهبران کارآفرینی کشور به حاج اکبر ابراهیمی اهدا شد. او در سال ۱۳۹۶ نیز از سوی سازمان بهزیستی کل کشور تندیس چهره ماندگار خیرین را دریافت کرد.

اکبر ابراهیمی در سال ۱۳۲۳ در شهر تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او از دوران نوجوانی به دلیل شرایط اقتصادی خانواده و کمک به پدرش وارد بازار کار شد. او از ۱۷ سالگی به فعالیت‌های صنعتی رو آورد و در سال ۱۳۵۴ زمانی که تازه وارد دهه ۳۰ زندگی‌اش شده بود، مجموعه صنعتی پاکشوما را برای تولید ماشین‌های لباس‌شویی نیمه اتوماتیک راه‌اندازی کرد. کارخانه‌ای که با توجه به نگاه صنعتی و توسعه محور اکبر ابراهیمی در طول بیش از ۴ دهه فعالیت همیشه در تولید لوازم خانگی جزو برندهای اصلی کشور محسوب می‌شده است و هم‌اکنون علاوه بر ماشین لباس‌شویی، ماشین ظرف‌شویی، مایکروفر، جاروبرقی، کولر آبی و گازی و حتی یخچال سایدبای‌ساید هم تولید می‌کند. حاج اکبر ابراهیمی ۲۰ سال پیش در سال ۱۳۷۶ برای نوسازی و جوان‌گرایی در ساختارهای مدیریتی این مجموعه صنعتی دست به تغییراتی زد که حاصل آن نوسازی کارخانه، افزایش تولید و ورود به ساخت محصولات جدید در این مجموعه بود. توسعه مجموعه صنعتی پاکشوما (باوجود تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی کشور) در سال‌های گذشته همیشه یکی از هدف‌گذاری‌های مهم حاج اکبر ابراهیمی و فرزندش حمید ابراهیمی که در حال حاضر مدیرعامل مجموعه صنعتی پاکشوما است، بوده و در این زمینه مهم‌ترین کار، ساخت مجموعه صنعتی بسیار عظیمی در شهر قم و انتقال کارخانه به این مجموعه بوده است. ساخت کارخانه جدید پاکشوما در اردیبهشت ۱۳۹۳ در شهرک صنعتی محمودآباد قم با وسعت ۱۰۰ هزار مترمربع و با ۳۰ هزار مترمربع سالن و انبار برای تولید قطعات و دو خط کامل تولید لوازم خانگی به بهره‌برداری رسید و در خرداد ۱۳۹۴ ۳۰ هزار مترمربع دیگر هم

درباره اکبر ابراهیمی دارنده لوح و نشان امین‌الضرب

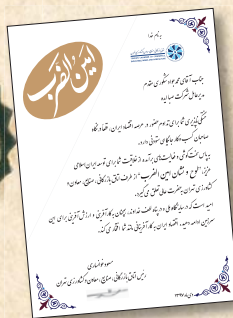
اکبر ابراهیمی از نوجوانی وارد کارهای صنعتی شد و با ورود به دهه ۳۰ راه‌اندازی یکی از مجموعه‌های مهم تولید لوازم خانگی در کشور یعنی شرکت پاکشوما را پایه‌گذاری کرد. او در ۴۰ سال گذشته همیشه در کنار فعالیت‌های صنعتی و نگاه توسعه‌گرایانه خود، حضوری فعال در حوزه امور خیریه داشته است تا جایی که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خیرین مدرسه‌ساز کشور شناخته می‌شود.



محمدجواد شکوری مقدم
بنیانگذار سایت آپارات و فیلمو

تفلیکس ایرانی

دارنده نشان و لوح امین‌الضرب



اورکات ولی به فارسی در ایران بیفتند، شبکه اجتماعی که «کلوب» نام گذاری شد و خیلی زود هم جای خود را در فضای وب فارسی پیدا کرد و همین نکته شکوری مقدم را به فکر توسعه کار انداخت تا جایی که ۳ سال بعد به فکر گسترش کار افتاد و همین شد که میهن بلاگ را به کمک دوستانش شکل داد و شرکت صبا ایده را راه اندازی کرد. آنها کارشان را از یک اتاق کوچک در شرکت ایران سیستم شروع کردند و شکوری مقدم هم یک پراید داشت که به عنوان سرمایه اولیه شرکت فروخت.

حدود ۳ سال بعد از راه اندازی و جا افتادن سایت میهن وبلاگ، تیم محمدجواد شکوری مقدم و صبا ایده به تکاپو افتاد تا کاری جدید ارائه کنند و در این بین ایده اصلی اضافه کردن سرویس ویدئو به سایت کلوب بود، نکته‌ای که با درخواست مخاطبان شبکه اجتماعی کلوب تیم صبا ایده به فکر آن افتادند و البته بعد از اجرای نهایی با توجه به وسعت کار تصمیم گرفته شد به صورت مستقل و تحت عنوان «آپارات» وارد میدان شود و به نوعی خلأ بارگذاری و دانلود تصویر را در کشور پر کند و شبیه یوتیوب ولی فارسی باشد. محمدجواد شکوری مقدم راز اصلی پشت پرده شرکت صبا ایده را در «کار تیمی و گروهی» می‌داند.

مردامه سال گذشته و بعد از حدود ۷ سال از شروع کار مسئولان سایت آپارات آمارهایی از مخاطبان خود را ارائه دادند، اعدادی که نشان دهنده اقبال بالا و رشد چشم‌گیر این سایت از نظر تعداد مخاطب است، نکته‌ای که باعث شده آپارات حالا بعد از گوگل بیشترین بازدید را در بین کاربران ایرانی داشته باشد. آپارات در سال تأسیس ۶۰ هزار بازدید در روز داشت که این تعداد سه سال بعد به ۲۰۲ میلیون و ۵ سال بعد به ۷۰۵ میلیون و سال گذشته به ۱۰۵ میلیون بازدید رسید. طبق آمارهای سال گذشته سالانه ۷۰۶ میلیارد بازدید از صفحه آپارات صورت می‌گیرد. همچنین این سرویس ویدئویی ۲۹ میلیون نفر کاربر فعال ماهانه دارد. از نظر کاربر نیز بیشترین کاربران آپارات را افرادی در رده سنی ۲۵ تا ۳۴ سال با حدود ۴۴ درصد مخاطبان این سرویس تشکیل می‌دهند و بعد از این افراد جوانان بین ۱۸ تا ۲۴ سال با حدود ۲۳ درصد بیشترین مخاطبان آپارات هستند. البته راه اندازی آپارات و جذب مخاطب میلیونی برای محمد شکوری مقدم کافی نبود و او دائم به فکر راه اندازی و اجرای ایده‌های جدید است و همین موضوع بود که او را به فکر راه اندازی سایت فیلمو انداخت، تلویزیون اینترنتی (پرداخت پول برای دانلود فیلم و برنامه‌ها) که این روزها مخاطبان بسیاری برای تماشای فیلم‌ها و سریال‌های داخلی و خارجی‌اش پیدا شده است.

محمدجواد شکوری مقدم ۳۶ سال سن دارد و یک دهه شصتی است. او در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد و بزرگ شد و همیشه جزو دانش آموزان با استعداد مدرسه محسوب بود و در نهایت هم بعد از اخذ دیپلم و شرکت در کنکور توانست در رشته برق قدرت در دانشگاه امیرکبیر مشغول به تحصیل شود. البته او پس از ۸۰۷ ترم به دلیل عدم علاقه به رشته تحصیلی‌اش از ادامه حضور در دانشگاه انصراف داد و به دنبال کاری رفت که دوست داشت و از دوره نوجوانی به نوعی جذب آن شده بود یعنی برنامه‌نویسی. او با وجود اینکه ازدواج کرده بود (در ۱۹ سالگی) و به نظر خیلی از نزدیکانش رها کردن تحصیل در یکی از دانشگاه‌های برتر کشور و آن هم رشته‌ای مناسب کاری اشتباه بود، تصمیم گرفت تا جوان است به دنبال مسیر علاقش برود و جذب کاری شود که فکر می‌کرد در آن می‌تواند به موفقیت برسد و ایمان داشت که آن حرفه راه آینده‌اش خواهد بود. او هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه (سال ۱۳۸۴-۱۳۸۳) در شرکت ایران سیستم کار برنامه‌نویسی انجام می‌داد و به این نتیجه رسید که فضای آنلاین، فضای قدرتمندی است برای اینکه ایده‌هایش را در آن اجرایی و به ثمر برساند؛ این بود که از دانشگاه انصراف داد و تمرکز خود را روی تحقق ایده‌هایش گذاشت البته در شروع کار خیلی موفق نبود ولی خسته نشد و حتی آموخت که باید تیمی همه‌جانبه‌ای داشته باشد و برای رسیدن به این نقطه باید تیم‌سازی انجام دهد. بعد روی یک ایده خوب کار کند و در نهایت به دنبال اجرای آن باشد. بعد از شکست‌های اول ما تیم خوبی را تشکیل دادیم و همین باعث شد که در مسیر درست قرار بگیریم. محمدجواد شکوری مقدم که از ۱۷،۱۶ سالگی کار برنامه‌نویسی را شروع کرده بود، به همراه دوستان و برادرش به فکر راه اندازی یک شبکه اجتماعی در ایران افتادند، آن زمان تازه اورکات به ایران رسیده و مخاطبان زیادی را هم برای خودش جذب کرده بود و همین اتفاق باعث شد آنها به فکر راه اندازی چیزی شبیه

درباره محمدجواد شکوری مقدم دارنده لوح و نشان امین‌الضرب

محمدجواد شکوری مقدم خیلی زود متوجه شد که مسیر زندگی‌اش را اشتباه تعیین کرده است و خواسته‌اش تحصیل در رشته برق حتی در یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور نیست و باید در جهت آرزوهایش که کار در حوزه برنامه‌نویسی است گام بردارد. اقدامی که در نهایت باعث شد او سایت آپارات را با میلیون‌ها مخاطب راه اندازی کند.

برادران محمدی
بنیانگذار دیجی کالا

برادران خلاق

دارنده نشان و لوح امین‌الضرب



برادران دوقلوی محمدی مؤسسان بزرگ‌ترین شرکت فروش اینترنتی و آنلاین کشور یعنی دیجی کالا، متولد سال ۱۳۵۸ در جنوب تهران هستند. مادرشان خانهدار و پدرشان صاحب یک نانوائی بود و آنها در خانواده‌ای پرجمعیت با ۱۱ فرزند بزرگ شدند. سعید و حمید محمدی کودکی و نوجوانی‌شان را در کنار هم‌پشت سر گذاشتند و همیشه هم‌بازی و همراه هم بودند و اتفاقاً تجربه کار تیمی باهم را در همین سال‌ها آموختند. خانواده آنها به تحصیل اهمیت بسیاری می‌دادند؛ حمید محمدی دوره راهنمایی و دبیرستانش را در مدرسه تیزهوشان شهید بهشتی شهری تحصیل کرد و سعید در مدرسه نمونه دولتی ابن‌سینا درس خواند و هر دو دیپلم ریاضی گرفتند و پس از آن وارد دانشگاه شدند. سعید محمدی مدرک کارشناسی خود را در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه آزاد گرفت و برادرش هم در رشته مهندسی صنایع دانشگاه خواجه نصیر تحصیل کرد ولی هر دو برای فوق‌لیسانس رشته MBA را انتخاب کردند. این دو برادر دوقلوی قبل از ورود به دانشگاه کار را شروع کردند و هر دو با توجه به اینکه به نرم‌افزارهای اتوکد و... تسلط داشتند در بخش طراحی یک شرکت قطعه‌سازی موتورسیکلت مشغول به کار شدند و بعد از مدتی هم در کارخانه کوچک تولیدی کفش برادرشان مسئولیت طراحی را بر عهده گرفتند. آنها تقریباً از همان سال اول دانشگاه همه هزینه‌های زندگی و تحصیلشان را خودشان پرداخت می‌کردند. با پایان تحصیل دانشگاهی دو برادر با توجه به رشته‌های متفاوتی که انتخاب کرده بودند مسیر کاری و زندگی‌شان از هم فاصله بسیاری گرفت؛ سعید محمدی در حوزه صنعت نفت و انرژی مشغول به کار شد و حمید محمدی در یک شرکت نیروگاهی کار می‌کرد تا اینکه ماجرای خرید یک دوربین دیجیتال عکاسی پیش آمد و مسیر زندگی آنها به‌صورت کلی تغییر کرد و البته به هم گره خورد. دو

برادر به عکاسی دیجیتال علاقه‌مند شده و به فکر خرید دوربین SLR بودند که آن زمان بیش از یک میلیون تومان قیمت داشت و برای همین به‌صورت مشترک تصمیم به خرید گرفته و تحقیقات مفصلی در این زمینه انجام دادند اما حاصله همه بررسی‌ها به نتیجه مطلوب آنها نرسید زیرا فروشنده نوزدین را عوض کرده بود.

شکست در خرید دوربین دیجیتال باوجود پرداخت زیاد و بررسی بسیار برادران محمدی را به فکر راه‌اندازی سایتی برای اطلاع‌رسانی نسبت به انواع کالاهای دیجیتال (که در آن سال‌ها تازه‌وارد بازار می‌شدند)، مقایسه آنها با یکدیگر و خرید اینترنتی این کالاها انداخت. اوایل سال ۱۳۸۵ آنها شروع به برنامه‌نویسی و طراحی سایت دیجی کالا کردند و این سایت به‌عنوان اولین سایت فروشگاه اینترنتی جدی در کشور اواخر همان سال شروع به کار کرد. آنها کار را در دفتر کوچکی در خیابان سعدی با هسته مرکزی کوچک ۷ نفره شروع کردند و بعد از ۱۲ سال تلاش شبانه‌روزی توانستند دیجی کالا را به بزرگ‌ترین فروشگاه آنلاین کشور با بیش از ۲ هزار نفر نیروی کار تبدیل کنند.

مرکز پردازش دیجی کالا (بخش انبار، پردازش و عملیات) درواقع بزرگ‌ترین مرکز از نوع خود در خاورمیانه محسوب می‌شود که ۵۰ هزار مترمربع فضا و ظرفیت نگهداری ۴ میلیون آیتم کالا را دارد و هم‌اکنون حدود ۲ میلیون آیتم کالا در آن نگهداری می‌شود. مرکز کنونی پردازش دیجی کالا دارای بیش از ۱۰۰ هزار قفسه کوچک و ۲ هزار قفسه بزرگ برای قرار گرفتن ۱۵۰ هزار نوع کالا است و ظرفیت پذیرش روزانه ۳۰۰ هزار کالا را دارد. در حال حاضر روزانه به‌صورت میانگین بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار کالا (نسبت به زمان در سال وارد مرکز پردازش دیجی کالا می‌شود و این مجموعه با بیش از ۳ هزار فروشنده همکاری دارد و زنجیره تأمین کالاهای دیجی کالا را تشکیل می‌دهند. همچنین در بخش تولید محتوا که یکی از حوزه‌های اصلی این مجموعه محسوب می‌شود و از روز اول شکل‌گیری آن یکی از اهداف اصلی بوده به‌صورت میانگین روزانه برای هزار کالا اطلاعات درج می‌شود و از ۷۰۰ کالا عکاسی صورت می‌گیرد. برادران محمدی سال گذشته پیش‌بینی کرده که امسال ارزش این شرکت به یک میلیارد دلار برسد که البته شاید به دلیل مشکلات اقتصادی، افزایش نرخ ارز این عدد فعلاً تحقق پیدا نکند. بیش از ۲ میلیون کاربر باتجربه خرید از دیجی کالا در کشور وجود دارد و این سایت رتبه ۳ بازدید الکسا در ایران را به خود اختصاص داده است.

درباره برادران محمدی دارنده لوح و نشان امین‌الضرب
برادران (حمید و سعید) محمدی از نوجوانی به طراحی وب علاقه داشتند ولی دانشگاه و تحصیل مسیر زندگی آنها را عوض کرده بود تا اینکه خرید یک دوربین عکاسی و شکست در این کار آنها را به فکر راه‌اندازی سایت اطلاع‌رسانی و فروش کالاهای دیجیتال انداخت.



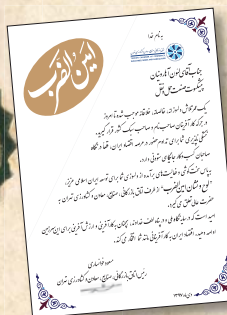
لئون آهارونیان

مدیرعامل شرکت ستی

از پیشگامان صنعت حمل‌ونقل در ایران

کارآفرین خستگی ناپذیر

دارنده نشان و لوح امین‌الضرب

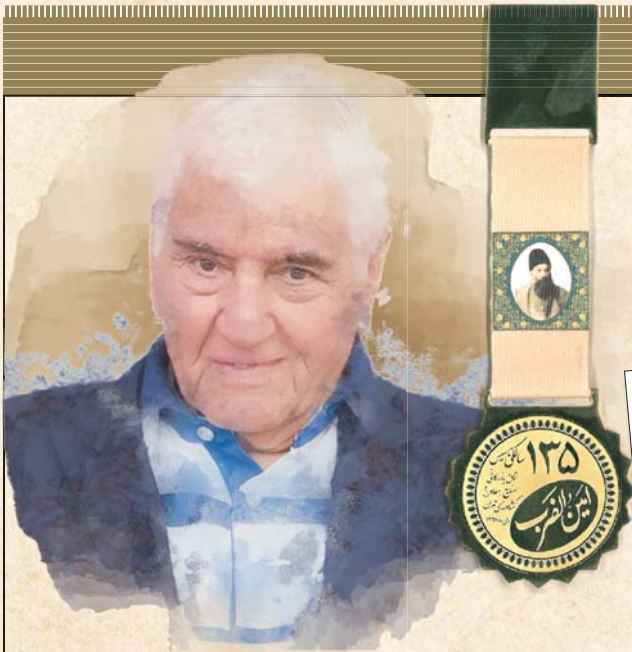


لئون آهارونیان سال ۱۳۰۹ در روستای هفتون شهرستان سلماس به دنیا آمد. پدرش هنگام اشغال ایران در جنگ جهانی به مراغه رفت و همراه یکی از دوستانش رستورانی در آنجا راه‌اندازی کرد ولی با تشکیل حکومت خودمختار پیشه‌وری در تبریز (سال ۱۳۲۴) به تهران آمد و غذاخوری‌ای در پایتخت باز کرد. لئون و دیگر اعضای خانواده‌اش در کار مغازه به پدرشان کمک می‌کردند. پدر لئون آهارونیان اهمیت بسیاری به کار می‌داد و دوست داشت فرزندانش از کودکی مسئولیت‌پذیر باشند و از همین رو در تابستان یک رستوران فصلی برای آنها در روستای ییلاقی اوشان راه‌اندازی می‌کرد. همه اینها باعث شده بود که دوران نوجوانی و جوانی لئون ترکیبی از درس و کار باشد که در جوانی به آن ورزش و شکار هم اضافه شد. دوچرخه‌سواری و ورزش موردعلاقه‌اش در دوره دبیرستان بود. او همچنین از جوانی تا ۸۰ سالگی به شکار می‌رفت و در نهایت کلکسیون بزرگش را به موزه طبیعی ایروان هدیه کرد. او پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۳۱ در هنر سرای عالی (دانشگاه امیرکبیر فعلی) پذیرفته شد. پس از پایان تحصیل با گرفتن کفالت از سربازی معاف شد و اردیبهشت ۱۳۳۵ در آزمایشگاه خاک‌شناسی وزارت کشاورزی با ماهی ۴۸۰ تومان استخدام شد؛ این آزمایشگاه با همکاری سازمان خواروبار جهانی (فائو) تأسیس شده بود. آهارونیان در اواخر سال ۱۳۳۹ با بورسیه سازمان فائو به مدت یک سال و به همراه خانواده برای تکمیل تخصص به مقر فائو در رم و پس از چند روز به مرکز پژوهش کشاورزی در شهر دانشگاهی واگنینگ هلند رفت و ادامه تحصیل داد. در سال ۱۳۴۱ و بعد از بازگشت به ایران آهارونیان به درخواست پدر همسرش که مؤسس شرکت حمل‌ونقل ستی بود و در حوزه معدن، هتلداری و فروش بلیت هواپیما هم فعالیت می‌کرد به‌صورت پاره‌وقت به این مجموعه پیوست و حسابرسی مالی مجموعه را بر عهده گرفت و اتفاقاً جلوی سوءاستفاده‌های شرکای پدر زنش ایستاد.

درباره لئون آهارونیان دارنده لوح و نشان امین‌الضرب

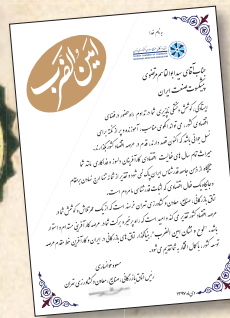
شرکت ستی با بیش از ۶۰ سال قدمت یکی از قدیمی‌ترین موسسه‌های حمل‌ونقل در ایران است و بسیاری از پروژه‌های عظیم حمل‌ونقل تجهیزات را در کشور در طول این دهه‌ها بر عهده داشته است؛ شرکتی که سال‌های بسیاری است مدیریت آن با لئون آهارونیان است. آهارونیان با حدود ۹۰ سال سن همچنان فعال است و از پیشگامان صنعت حمل‌ونقل در ایران محسوب می‌شود.

آهارونیان در سال ۱۳۴۷ پس از ۱۲ سال از کار دولتی استعفا داد و به‌صورت تمام‌وقت در شرکت ستی مشغول به کار شد. در همان سال‌ها قراردادی با شرکت میتسوبیشی بست تا دستگاه‌های گازسوز تولید برق را از بنادر جنوب کشور به محل ساخت نیروگاه انتقال دهند. شرکت ستی طی قراردادی با شرکت‌های فرانسوی و آلمانی، چهار دستگاه و دو ژنراتور با وزن هر یک ۱۴۰ و ۱۱۰ تن خرید تا تجهیزات سد سفیدرود و نیروگاه آبی را از جنوب کشور به منجیل انتقال دهند. این محموله با وزن تریلی و بوژی حدود ۲۵۰ تن می‌شد. شرکت ستی، نخستین شرکت ایرانی حمل‌ونقل بود که توانست وسایل حمل بارهای سنگین را از یک شرکت فرانسوی خریداری (نقد و وام) و وارد ایران کند. پس از این کارها هنگامی که قرارداد ساخت ذوب‌آهن و کشتیدن لوله‌های گاز از جنوب کشور با شوروی امضا شد، یک‌سوم از قرارداد لوله‌کشی به یک شرکت فرانسوی واگذار شد و آنان نیز انتقال ۴۲ هزار تن لوله و ۲۰ هزار تن تجهیزات کارشان را به شرکت ستی سپردند. علاوه بر اینها در آن سال‌ها این شرکت، حمل تجهیزات لازم برای راه‌اندازی نیروگاه ۷۰۰ مگاواتی اهواز (شرکت تکنوپروم روسیه)، تجهیزات پست‌های انتقال برق در غرب کشور (سه شرکت آلمانی) و... را هم بر عهده داشت و در مهم‌ترین قرارداد هم شرکت زیمنس آلمان به مدت ۳۵ سال انتقال کلیه محموله‌هایش در ایران را به این شرکت واگذار کرد. شرکت ستی با توجه به قراردادهای خارجی که در آن سال‌ها موفق به امضا و انجام آنها شد، خیلی زود رشد چشمگیری کرد و طی چند سال ده‌ها تریلی و وسایل حمل کالاها سنگین خریداری کرد. آنها حتی توانستند برای توسعه کارهایشان از فرانسه یک وام یک‌میلیون دلاری (با بازپرداخت سه‌ساله) دریافت و تجهیزات به‌روزی از جمله بوژی خریداری کنند. با پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی یکی از نیازهای اساسی کشور جابه‌جایی تجهیزات نظامی و... به مناطق جنگی بود و بخشی از این کار را به‌صورت رایگان شرکت ستی بر عهده گرفت. اعطای کامیون‌ها و تریلرهای شرکت برای انتقال تجهیزات سنگین نظامی مانند تانک، هاور کرافت و... به مناطق مختلف جنگی بخشی از خدمات این شرکت به جبهه‌های نبرد بود. لئون آهارونیان در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب با توجه به موقعیت اقتصادی و حضور در شورای خلیفه‌گری ارمنه (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ عضو شورای بود)، فعالیت‌های اجتماعی و صنفی خود را گسترش داد. همچنین تشکیل اتاق بازرگانی مشترک ایران و ارمنستان (۱۳۷۲)، برقراری اولین خطوط هوایی بین ایران و ارمنستان (۱۳۶۹) و از همه مهم‌تر برقراری ارتباط بین مقام‌های دولتی، امنیتی و مذهبی ایران و ارمنستان از جمله کارهایی بود که لئون آهارونیان برای دوستی و نزدیکی بیشتر مردم و دولت‌های ایران و ارمنستان انجام داده است.



سید ابوالقاسم مرتضوی
بنیانگذار کارخانه آرد ستاره و یکی از
پیشکسوتان صنعت آرد در کشور

آسیابان



دارنده نشان و لوح امین‌الضرب

کرد. مدتی بعد از روی غلتک افتادن کار کارخانه تولید آرد حاج قاسم مرتضوی ایده جدیدی به ذهنش رسید و آن تأسیس یک کارخانه تولید خوراک دام بود؛ اقدامی که بسیار جلوتر از زمانه خود محسوب می‌شد و هنوز اصلاً کارخانه‌ای در این زمینه راه‌اندازی نشده بود و مرغداری‌های صنعتی هم تازه در حال شکل گرفتن در کشور بودند. او به آلمان که یکی از کشورهای پیشرو در تولید خوراک دام بود رفت و بازدیدی از مجموعه صنعتی مشهوری در این زمینه داشت؛ کارخانه‌ای او را تحت تأثیر قرارداد. مرتضوی توافقی با آلمان‌ها برای راه‌اندازی خط تولید خوراک دام به ظرفیت ۳۰۰ تن انجام داد و طولی نکشید که ماشین‌آلات به همراه یکی از متخصصان این شرکت برای راه‌اندازی به ایران رسید. مرتضوی نام این مجموعه صنعتی را «اشترن» که به آلمانی ستاره معنی می‌دهد، گذاشت.

پس از راه‌اندازی کارخانه آرد و خوراک دام، حاج ابوالقاسم مرتضوی به فکر تأسیس مرغداری صنعتی افتاد. او که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خوراک دام در کشور بود ولی با تعداد زیادی چک برگشتی مرغداری‌هایی که خوراک خریده و توان پرداخت پول را نداشتند و همچنان بیشتر به روش سنتی کار می‌کردند رویه‌رو بود و این شد که در گام بعدی توسعه مجموعه‌های صنعتی‌اش به فکر راه‌اندازی یک مرغداری مدرن افتاد. در آن سال‌ها اواخر دهه ۴۰ یک مرغداری صنعتی را دولت و ارتش در سپیدرود تأسیس کرده بودند و مابقی مرغداری‌ها همچنان به صورت سنتی کار می‌کردند. حاج ابوالقاسم مرتضوی برای تأسیس مرغداری مدتی به آمریکا رفت و تحقیقاتی انجام داد و در نهایت هم خطوط تولید و تجهیزات لازم برای تأسیس یک مرغداری صنعتی کاملاً اتوماتیک را خریداری و در کرج (۱۲ سالن) ساخت و نام آن را سهیل گذاشت. او جوجه‌های لازم برای مرغداری را هر سال از کشورهای مختلف به ایران می‌آورد و علاوه بر تولید بخشی از نیاز داخل مجموعه را به نقطه‌های رسانده بود که قبل از انقلاب کم‌کم توان صادرات مرغ و تخم‌مرغ هم داشت. حاج قاسم مرتضوی بعد از مرغداری برای تکمیل کردن زنجیره تولید صنعتی خود کشتارگاه و سردخانه هم راه‌اندازی کرد ولی این اتفاق هم‌زمان با سال‌های انقلاب و برخی از تندروی‌ها و انگ‌های سوءاستفاده‌های اقتصادی همچون احتکار به فعالان بخش خصوصی شد و در نهایت حاج ابوالقاسم مرتضوی را به این نتیجه رساند که کار را محدود و به فرزندش محمد مرتضوی که از کودکی او را آموزش داده بود، واگذار کند. پسری که جای پدر گذاشت و با تلاش بسیار به یکی از فعالان صنعتی تبدیل شد.

سید ابوالقاسم مرتضوی متولد دهه ابتدایی قرن اخیر در تهران است. پدرش سید جعفر یکی از بزرگ‌ترین تاجران گندم و برخی از غلات همچون جو و حبوبات بود و تجارتخانه بزرگی در محدود میدان اعدام و امین السلطان داشت. حاج قاسم مرتضوی از دوران نوجوانی (۱۴، ۱۵ سالگی) کار را با شاگردی در مغازه دایی خود که فروشنده حبوبات و از تجار سرشناس بود، شروع کرد و بعد از دو سال در تجارتخانه پدرش مشغول به کار شد و با توجه به استعداد بالایی که در تشخیص انواع گندم‌ها داشت خیلی زود متصدی فروش شد که کلیدی‌ترین کار در این تجارتخانه محسوب می‌شد و مسئولیت توزیع گندم بین مشتریان بر اساس نوع مصرفشان را بر عهده داشت. حاج سید ابوالقاسم مرتضوی تقریباً ۱۰ سال نزد پدرش کار کرد تا اینکه در دهه ۳۰ شمسی و اوج جوانی تصمیم گرفت با توجه به نیاز کشور، کاری نو انجام دهد که راه‌اندازی کارخانه صنعتی تولید آرد بود. آن‌هم زمانی که هنوز آسیاب‌های آبی و سنگی فعال بودند و آرد را به صورت سنتی آسیاب می‌کردند و تنها روس‌ها یک کارخانه تولید محدود آرد در کشور احداث کرده بودند. او بررسی‌ها و مطالعاتی در خارج از کشور روی این موضوع انجام داد و در نهایت تصمیم خود را گرفت و ماشین‌آلات کارخانه را از روس‌ها خریداری و کارخانه آرد ستاره را تأسیس کرد. در آن سال‌ها حتی تهران به‌عنوان پایتخت کشور هنوز برق نداشت و حاج ابوالقاسم مرتضوی برای تأمین برق کارخانه دو موتور برق انگلیسی خریداری کرد. البته مرتضوی برای آرد تولیدی کارخانه‌اش مشتری‌های بسیاری داشت به خصوص اینکه خود در تجارتخانه پدر ارتباط قوی با مشتریان اصلی شکل داده بود و اصلاً با توجه به خلاءای که در کسب‌کار دیده بود، اقدام به راه‌اندازی کارخانه تولید آرد

درباره سید ابوالقاسم مرتضوی دارنده لوح و نشان امین‌الضرب

از پیشگامان و پیشکسوتان صنعت آرد، تولید خوراک دام و حتی تأسیس کشتارگاه از سوی بخش خصوصی در کشور محسوب می‌شود؛ کسی که از کودکی نزد دایی و پدرش شاگردی کرد و با توجه به استعداد بسیاری که در تشخیص انواع گندم و غلات داشت توانست نخستین کارخانه تولید آرد صنعتی را در کشور راه‌اندازی کند.

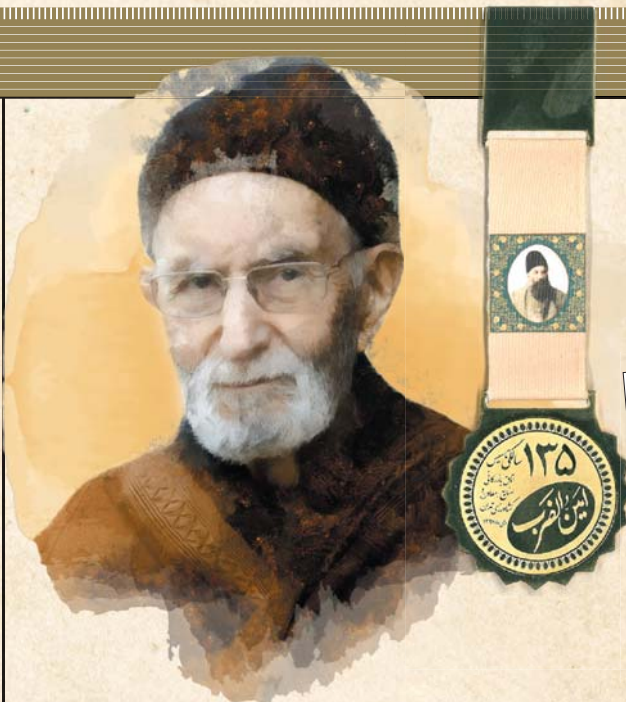
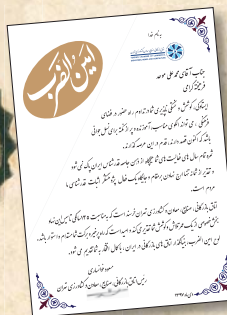


محمد علی موحد

نویسنده و پژوهشگر تاریخ و ادبیات

خواب آشفته نفت

دارنده نشان و لوح امین الضرب



دکتر محمدعلی موحد مورخ و پژوهشگر نامی در سال ۱۳۰۲ در شهر تبریز به دنیا آمد. او تحصیل را در مدارس تدین و اتحاد نو در شهر تبریز شروع کرد و پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبی به تهران آمد. اما به واسطه فوت پدرش (در سال ۱۳۱۷) به تبریز بازگشت و سرپرستی خانواده را بر عهده گرفت و به مدت ده سال بین تبریز و تهران در رفت آمد بود. در سال ۱۳۲۹ موحد به شرکت نفت آبادان رفت و پس از خلع ید انگلیسی‌ها (بعد از ملی شدن صنعت نفت) در سال ۱۳۳۲ سردبیری روزنامه شرکت نفت را به عهده گرفت و در همین سال به تهران انتقال یافت. او در سال ۱۳۳۲ کار روی ترجمه‌ی رحله این بطوطه (سفرنامه ابن بطوطه) را انجام داد که در سال ۱۳۳۶ منتشر و به واسطه‌ی قدرت قلم و شیوایی ترجمه، مورد توجه بزرگان فضای ادبی و استادان آن روز همچون مجتبی مینویی و محمدعلی جمال‌زاده قرار گرفت و این گونه بود که نام موحد بر سر زبان‌ها افتاد.

هم‌زمان با این تحولات در زندگی، محمدعلی موحد تحصیلات خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد و موفق به اخذ مدرک دکترای حقوق خصوصی از این دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۸ پس از فراغت از تحصیل برای آشنایی بیشتر با مباحث حقوق بین‌الملل به انگلستان رفت و مطالعات خود را زیر نظر پرفسور جنینگز در کمبریج و پرفسور شوارتزبرگ در لندن ادامه داد. همچنین در این دوران با ایران‌شناسانی چون آبروی، مینورسکی و لاکهات همکاری کرده و به

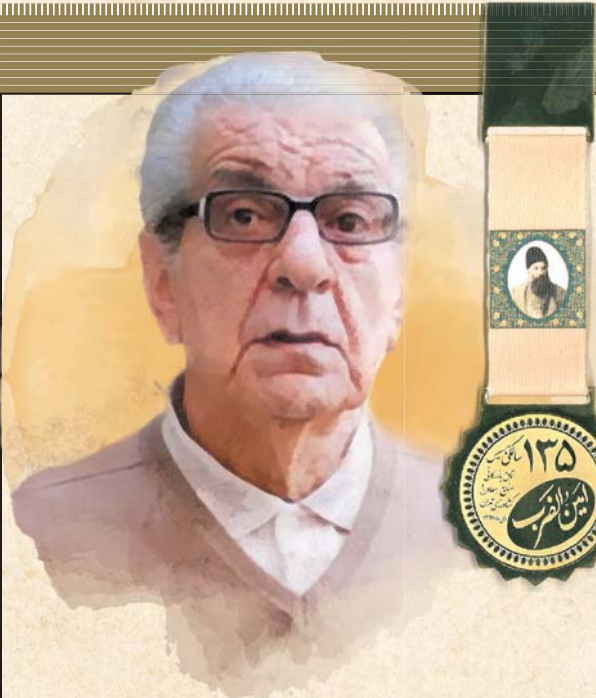
درباره دکتر محمدعلی موحد دارنده لوح و نشان امین الضرب

دکتر محمدعلی موحد از برجسته‌ترین پژوهشگران و مورخان قرن اخیر کشورمان است، کسی که بیش از ۶ دهه از عمر خود را به تحقیق و پژوهش اختصاص داده و حاصل آن متون مهمی همچون خواب آشفته نفت است. موحد خود زمانی کارمند شرکت ملی نفت ایران و حتی مدتی عضو هیئت مدیره این شرکت بوده است.

تحقیق روی نسخه‌های خطی موجود در موزه‌ی بریتانیا پرداخت. موحد با بازگشت به ایران بعد از تحصیل علاوه بر وکالت پایه‌یک دادگستری، از آغاز تأسیس شرکت ملی نفت ایران به کادر حقوقی این مجموعه وارد شد و تا بالاترین درجات (مشاور عالی رئیس هیئت‌مدیره، مشاور ارشد و عضو اصلی هیئت‌مدیره) پیشرفت و خدمت کرد و در ابتدای تأسیس اوپک به مدت شش ماه معاونت اجرایی آن سازمان در ژنو را بر عهده داشت. دکتر موحد در کنار مشاغل رسمی به تدریس حقوق مدنی و حقوق نفت در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده‌ی علوم مالی و حسابداری هم می‌پرداخت.

او در طول زندگی همواره مشغول به تحقیق، تألیف و ترجمه بوده است و آثار بزرگی از خود به یادگار گذاشته است که بی‌شک، بزرگ‌ترین آنها تحقیق در متون عرفانی، به‌ویژه چاپ انتقادی مقالات شمس تبریزی است که انتشارات خوارزمی آن را به بازار نشر عرضه کرد. علاوه بر آن کتاب «خواب آشفته نفت» که به تاریخ معاصر ایران در دوره مصدق و بعداز آن و ماجرای نفت و ملی شدن آن می‌پردازد (نشر کارنامه) که تا به امروز سه جلدش منتشر شده دیگر شاهکار اوست. کتابی که جایزه کتاب سال را در حوزه تألیف برای او و ناشر به همراه داشت و به دلیل اینکه دکتر موحد خود از نزدیک سال‌های ملی شدن صنعت نفت و بعداز آن را در شرکت ملی نفت را تجربه کرده است، یکی از مهم‌ترین متون چاپ‌شده در کشورمان درباره تاریخچه و اثرات طلای سیاه بر اقتصاد، سیاست، جامعه و... محسوب می‌شود. او معتقد است داستان مصدق در خاطره نسل ما به شاهنامه آزادی تبدیل شده است. این ماجرا برای مردم ما نه صرفاً یک حدیث تاریخی که یک سرود آزادی است و سرود آزادی سر از قید زمان برمی‌کشد.

مقالات شمس تبریزی (تصحیح و تعلیق)، فصوص‌الحکم (تصحیح و تعلیق)، ترجمه چهارمقاله درباره آزادی آیزابا برلین، درس‌هایی از داورهای نفتی: ملی کردن و غرامت و در هوای حق و عدالت از دیگر آثار مهم دکتر موحد هستند. او در مردادماه سال ۱۳۸۶ در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به خاطر عمری خدمات فرهنگی مورد تقدیر قرار گرفت.

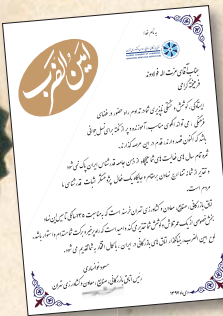


عزت‌الله فولادوند

مترجم برجسته، پیشرو و جریان ساز

دنیای عجیب ترجمه

دارنده نشان و لوح امین‌الضرب



منتقل کردند اما در نهایت به تهران بازگشت. فولادوند در دفتر مرکزی کنسرسیون نفت با طاهره صفار زاده همکار بود و با پافشاری او برای ترجمه کتاب هم این کار را شروع کرد. صفار زاده بدون اینکه به فولادوند بگوید با مسئولان موسسه فرانکلین برای او قرار گذاشت و در نهایت این دیدار باعث شد که فولادوند به دنیای ترجمه وارد شود. او در کار ترجمه بسیار دقیق و باپشتکار است و خودش می‌گوید همیشه در این کار دغدغه مسائل سیاسی و اجتماعی را داشته است. با پیروزی انقلاب بعد از ۱۸ سال سابقه کار (۱۳۴۳ تا ۱۳۵۹) در شرکت ملی نفت و در سمت‌های مختلف عزت‌الله فولادوند را به دلیل اینکه پیش از آن لوح‌های تقدیر از مسئولان سابق دریافت کرده بود اخراج و بازنشسته زودتر از موعد کردند. خود او در این باره گفته: «بعد از انقلاب در اتاقم نشسته بودم و کار می‌کردم. رییس‌م آقای شاپوری که مرد بسیار خوبی هم بود تلفن کرد و خواست که پیش او بروم. بعد از انقلاب بود و نیروهای توده‌ای و متعصب در وزارت نفت کمیسیون پاک‌سازی تشکیل داده بودند. آقای شاپوری گفت که آن کمیسیون درباره شما تصمیم گرفته که بازنشسته زود از موعد بشوید. من هم سامسونتم را برداشتم و بدون هیچ حرفی از پله‌های شرکت نفت بیرون آمدم و برگشتم خانه. سامسونتم را گذاشتم کنار پذیرایی، نشستم پشت میز و شروع کردم به کار کردن شدید. روزی دوازده ساعت کار می‌کردم و تمام این کتاب‌ها بعد از این توفیق اجباری ترجمه شدند.» او می‌گوید ترجمه‌هایش را اگر نگاه کنید می‌بینید که همیشه دغدغه مسائل سیاسی و اجتماعی داشته است و حتی این دغدغه همیشه در او قوی‌تر بوده تا دغدغه فلسفی محض. ترجمه کتاب‌های «فلسفه کانت» و «آگاهی و جامعه» از سوی فولادوند به ترتیب در دوره‌های هشتم و نهم کتاب سال برگزیده شده‌اند. فولادوند معتقد است ترجمه باید تا حد امکان به متن اصلی وفادار باشد و مترجم باید از مبهم‌گویی یا شیرین‌زبانی خودداری کند و آنچه را نویسنده اصلی واقعاً در ذهن داشته و روی کاغذ آورده، به نحوی به زبان فارسی برگرداند که باروح زبان فارسی منطبق باشد. چیزی که برای من کاملاً روشن است این است که در هر نوشته‌ی جدی، چه در زمینه ادبیات و چه فلسفه، بین نص و روح متن رابطه‌ی محکم وجود دارد و طبعاً اگر این رابطه گسسته شود، به فهم ما از آنچه می‌خوانیم لطمه شدید می‌زند. او دو اعتقاد بزرگ در زندگی دارد: «یکی اینکه هر بلایی که به سر ما مردم در این سرزمین می‌آید از نادانی یا علم ناقص است؛ دوم اینکه هر چه در زمینه‌ی دانش و هنر از آثار بزرگ دنیا از راه ترجمه اخذ کنیم باز هم کم است.»

عزت‌الله فولادوند در سال ۱۳۱۴ در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدرش قاضی دادگستری بود. او پس از گذراندن تحصیلات پایه در تهران، جهت ادامه تحصیل به انگلستان رفت و دبیرستانش را در یک مدرسه شبانه‌روزی در شهر رد هیل گذراند. او تأثیر آن سه سال زندگی در مدرسه شبانه‌روزی را «عادت کردن به سختی و انضباط» می‌داند. فولادوند با پایان دبیرستان به فرانسه و پاریس رفت تا پزشکی بخواند. او به اصرار پدرش رشته پزشکی را انتخاب کرده بود ولی دو سال از تحصیلش گذشته بود که خواندن کتاب مصائب فلسفه از راسل به صورت کلی جهت زندگی‌اش را تغییر داد و او را عاشق فلسفه و تغییر رشته کرد. «یک روز عصر که خسته از دانشکده پزشکی بیرون آمدم، در کتاب فروش نزدیک پانتئون کتاب «مصائب فلسفه راسل» را دیدم و خریدم. همان شب خواندم و کیف کردم و به خودم گفتم این همه چیزی است که من دنبال آن هستم. آن اتفاق مثل عشق در نظر اول بود.» بعد از خواندن این کتاب نامه‌ای به پدرش نوشت و ماجرا را توضیح داد و اعلام کرد که قصد دارد به آمریکا برود. پدرش هم بدون اینکه مخالفتی با تصمیم عزت‌الله فولادوند داشته باشد برایش نوشت: «فلسفه رشته‌ای شیرین ولی بی‌حاصلی است.» فولادوند به آمریکا رفت و دانشجوی فلسفه دانشگاه کلمبیا شد و دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری فلسفه را در این دانشگاه گذراند. از اساتید او می‌توان به آرتور دانتو، رابرت کامینگ و سیدنی مورگن بسرا اشاره کرد. با پایان تحصیل او که همیشه عاشق ایران بود و ماند به کشور بازگشت و استخدام شرکت ملی نفت ایران شد. در ابتدای کار برای مدت کوتاهی در اداره مرکزی کنسرسیون نفت کار می‌کرد ولی بعد برای دو سال او را به جنوب کشور

درباره عزت‌الله فولادوند دارنده لوح و نشان امین‌الضرب

عزت‌الله فولادوند در خانواده‌ای تحصیل‌کرده بزرگ شد و برای تحصیل پزشکی به فرانسه رفت ولی خواندن کتابی جهت زندگی او را به سمت فلسفه چرخاند. فولادوند در نهایت دکتری فلسفه از دانشگاه کلمبیا در آمریکا گرفت و بعد از بازگشت به ایران سال‌ها در شرکت نفت کار کرد اما تمرکز اصلی زندگی و کارش سال‌هاست که بر ترجمه آثار فاخر جهان است.

تماس بگیرید



به سایت www.tccim.ir مراجعه کنید



یک صدا برای کارآفرینان

پویش تجمیع موانع کسب و کارها
و انتقال صدای کارآفرینان به دولت

#یک_صدا_برای_حل_مشکلات

#یک_کارت_بازرگانی

#یک_عضو_اتاق

